

سیاست تقنینی جمهوری اسلامی ایران در قبال جرایم اقتصادی وامکان‌سنجی عدم اجرای عملی آن در دستگاه قضایی

محمود توکلی

دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد ممسنی

چکیده

این رساله متکفل بررسی سیاست تقنینی جمهوری اسلامی ایران در قبال جرایم اقتصادی وامکان‌سنجی عدم اجرای عملی آن در دستگاه قضایی است. پژوهش حاضر به صورت روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است. گسترش جرایم اقتصادی مانع دستیابی دولت به اهداف ملی در حوزه امنیت اقتصادی شده است. فضای اقتصادی ایران هم به دلیل ابتلا به آسیب‌های عدیده، نسبت به نظامهای اقتصادی پیشرفته، زمینه مساعدتری برای ارتکاب جرم اقتصادی ایجاد می‌کند، درحالی‌که سیاست جنایی به ویژه سیاست کیفری ایران تدبیر خاصی در برابر این دسته از جرایم ندارد. به دلیل نداشتن سیاست کیفری نظامی، کلی‌گویی در مصادیق جرایم اقتصادی، عدم پوشش کافی جرایم اقتصادی و فقدان معیار خاص برای تمییز این جرایم از سایر جرایم، این مفهوم بیش از آنکه به نفع نظام حقوقی و شهروندان جامعه باشد به نفع مجرمان اقتصادی واقعی است. یافته‌ها بیانگر این است که سیاست جنایی ایران در قبال جرائم اقتصادی با چالش‌های عدیده‌ای مواجه می‌باشد. از اساسی‌ترین این چالش‌ها و ابهامات می‌توان به عدم تبیین جامع و مانع از مفهوم و هدف جرایم اقتصادی، گستره پرونده‌ها بدلیل تسامح در برخوردهای قضایی، نحوه معیوب اتخاذ سیاست کیفری و میزان تناسب و اثربخشی آن، فقدان ارائه تعریف مشخص از جرایم اقتصادی، مراجع تقنینی متعدد در حوزه جرایم اقتصادی، تکثرگرایی در سیاست جنایی قضایی، رویکرد عوام‌گرایی کیفری در مقابله با جرایم اقتصادی، فقدان سیاست جنایی منسجم و واحد و امنیت مداری سیاست جنایی در جرایم اقتصادی، از جمله چالش‌ها و آسیب‌های موجود در سیاست جنایی فعلی ایران در قبال جرایم اقتصادی است.

واژه‌های کلیدی: سیاست تقنینی، جرایم اقتصادی، سیاست کیفری، سیاست پیشگیرانه، دستگاه قضایی

الف: مقدمه

هدف از سیاست تقنینی در حوزه اقتصاد، مبارزه با فساد و جرائم اقتصادی است. (حسن پور، ۱۳۹۷: ۱۲۸) دولت‌ها همواره تلاش دارند با سیاستگذاری و اجرای برنامه‌های گوناگون، خود را در حوزه اقتصاد کارآمد جلوه دهند؛ چراکه آرامش و ثبات اقتصادی بعنوان مهمترین و مبنایی‌ترین مولفه امنیت مورد توجه قرار می‌گیرد. (جمشیدی، ۱۳۹۱: ۱۶۰) بر اساس این تعریف، جرم اقتصادی هر فعل یا ترک فعلی است که به قصد ضربه زدن به ارزش‌های اقتصادی، نظام اقتصادی کشور را مختل کند» (کوشا، ۱۳۹۱، ۷) در مقابل، برخی معتقدند آن دسته از جرایمی که علیه اقتصاد کشور انجام می‌شود یا با این نیت صورت می‌گیرد و یا در عمل نظام اقتصادی کشور را مختل می‌کند، جرایم اقتصادی محسوب می‌شود (ساک، ۱۳۹۳: ۵) بواقع جرایم اقتصادی موجب اخلال و بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود. (نورزاد، ۱۳۹۸: ۱۴۳) مجرمان اقتصادی عواید حاصل از جرم را با درآمدهای قانونی مخلوط کرده و با در دست داشتن امکانات مالی، هزینه تولید محصولات خود را کاهش داده و رقبای دیگر را که فعالیت قانونی دارند از صحنه رقابت خارج می‌کنند (معتمدی و مستوفی، ۱۳۹۸: ۹۸). اصولاً جرایم اقتصادی ویژگیهایی به این شرح دارند و تا حدی گسترده‌تر از جرایم کسب و کار هستند: ۱- در قالب تجارت و فعالیت‌های حرفه‌ای به طور عمده عاملان به دنبال سود است ۲- به صورت یک مجموعه یا سیستم منسجم و سازمان یافته رفتار می‌کند ۳- باید با استفاده از فعالیت‌های تجاری، صنعتی و فنی، قانونی و حرفه‌ای صورت بگیرد ۴- مرتکبین به طور کلی و نه الزاماً از یک موقعیت یا قدرت اجتماعی یا سیاسی یا هر دو برخوردارند. (ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۱۴۰) فساد در نظام اقتصادی جرمی است که سال‌هاست محور سیاست‌های قانونگذاری ایران بوده است، اما شتابزدگی قانونگذار در تدوین قوانین مرتبط مانع از آن شده است که سیاست جنایی منسجم و قاطعی را در این زمینه دنبال کند. بنابراین موفقیت در امر پیشگیری از جرایم مرتبط با جرایم اقتصادی منوط به مشارکت تمامی کنشگران جامعه مدنی است. روند تحولات قانونگذاری جرم یقه سفید در دهه‌های مختلف پس از پیروزی انقلاب اسلامی حاکی از آن است که به رغم تکرار ارتکاب جرایم سنگین یقه سفید در طول این سالها، مقررات ناظر بر این جرایم تغییرات نامتوازی را تجربه کرده است. در برخی زمینه‌ها و برخی ادوار، شدت عمل بسیار بالا و در دوره‌های دیگر واکنش‌های بسیار خفیفی نسب به جرایم یقه سفید اعمال شده است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹: ۳۲۱) قوانین مصوب قبل و بعد از انقلاب موید این دیدگاه است:

در قوانین کیفری اقتصادی قبل از انقلاب اسلامی قوانین زیر تدوین شده است:

قانون مجازات مختلسین اموال دولتی مصوب ۱۳۰۶/۰۹/۱۶؛

قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹؛

قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۱۳۱۵/۰۹/۲۹؛

قانون اصلاح بعضی از مواد قانونی مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۹/۰۳/۱۴؛

قانون راجع به جلوگیری از عمل قاچاق توسط وسائل نقلیه موتوری، دریایی به وسیله اداره مرزبانی مصوب ۱۳۳۶/۰۸/۰۹؛

لایحه قانون راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی مصوب ۱۳۳۷/۱۰/۲۲؛

قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸/۰۳/۱۹؛

قانون امور گمرکی؛

قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۰/۰۴/۱۸؛

قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب ۱۳۵۰/۱۱/۲۶؛

- قانون مجازات محترمان و گرانفروشان مصوب ۱۳۵۳/۰۲/۲۳؛
- قانون مجازات اخلاک‌گران در عرضه دام و توزیع گوشت مصوب ۱۳۵۳/۰۲/۱۷؛
- در قوانین کیفری اقتصادی بعد از انقلاب اسلامی قوانین زیر مصوب سده است:
- لایحه قانونی مجازات اخلاک در امر کشاورزی و دامداری مصوب آذر ماه ۱۳۵۸؛
- لایحه قانونی مجازات واحدهای تولیدی داخلی و وارداتی متخلف مصوب دی ماه ۱۳۵۸؛
- قانون راجع به اصلاح ماده (۵۳) قانون مرتکبین قاچاق و الحاق یک تبصره به آن مصوب ۱۳۶۱/۰۴/۲۷؛
- قانون جمع‌آوری و فروش کالای متروکه قاچاق و ضبط کالای قاچاق بلاصاحب و صاحب متواری مصوب ۱۳۶۱/۱۱/۱۱؛
- قانون نحوه اجرای اصل (۴۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب مرداد ماه ۱۳۶۳؛
- قانون تشدید مجازات محترمان و گرانفروشان و قانون منع خرید و فروش کاپن کالاهای اساسی مصوب ۱۳۶۷/۰۱/۲۳؛
- قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
- قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول مصوب ۱۳۶۸/۰۱/۱۹؛
- رقانون شمول اجرای قانون نحوه اجرای اصل (۴۹) قانون اساسی در مورد ثروتهای ناشی از احتکار و گرانفروشی و قاچاق مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۲۹؛ ۸۷
- آئین‌نامه اجرایی ماده (۳۱) قانون تاسیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی مصوب ۱۳۷۰؛
- قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
- قانون منع اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲/۰۴/۲۷؛
- قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۱۱؛
- تصویب‌نامه هیات وزیران در مورد تعیین حدود و مقررات استفاده از ارز و... به شماره ۶۱۲۱۲ مورخ ۱۳۷۳/۰۲/۲۷؛
- قانون اصلاح ماده (۱) قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹ و اصلاحیه‌های بعدی آن مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۲۹
- مصوب مجتمع تشخیص مصلحت نظام و موادی از قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵؛
- قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت مصوب ۱۳۶۷/۰۳/۳۰؛
- قانون تجارت الکترونیکی موضوع ماده (۶۷) مصوب سال (۱۳۸۲) مجلس شورای اسلامی و تایید مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
- قانون مبارزه با قاچاق انسان به قصد فحشاء مصوب ۱۳۸۳/۰۴/۲۸؛
- قانون الحاق یک بند و یک تبصره به ماده (۱) قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و اصلاح تبصره (۱) ماده (۲) آن مصوب ۱۳۸۴/۱۰/۱۴؛
- قانون اصلاح تبصره (۱) ماده (۱۳۸) قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و الحاق ۳ تبصره به آن مصوب ۱۳۸۵/۰۳/۲۴؛
- قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۰۲؛
- قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مصوب ۱۳۸۷/۰۷/۲۰؛
- قانون مجازات جرائم رایانه‌ای مصوب خرداد ۱۳۸۸؛

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲؛

بند ۲ ماده (۱۰۹) و تبصره ماده (۳۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲؛

اصلاح قانون اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۸۴ شامل دو ماده (عباس زاده، ۱۳۹۸: ۳۸۵)

سیاست کیفری و تقنینی ایران بعنوان یک شق از شقوق سیاست جنایی در زمینه برخورد با این جرایم با چالش‌های متعددی روبرو می‌باشد. مراجع قانونگذاری متعدد، عدم مشخص بودن مفهوم مفاسد اقتصادی، فقدان ضابطه مشخص در خصوص این جرایم و... از چالش‌های سیاست کیفری ایران در مبارزه با مفاسد اقتصادی است. قانونگذار ایران با تصویب قوانین متعدد سعی در شناسایی عوامل موثر در وقوع فساد اقتصادی و پیشگیری و مجازات مرتکبین این جرائم صورت داده است. علی‌رغم گستردگی این چالش، از سویی دیگر قانونگذار هیچ تعریفی از جرم اقتصادی ارائه نداده است. لذا طبیعتاً امکان استخراج معیارهای تمییز جرایم اقتصادی از تصریح مقنن موضوعاً منتفی است. پیچیدگی ساختار جرایم اقتصادی و ویژگیهای خاص مصادیق آن بگونه‌ای است امکان ارائه یک تعریف کامل که دربردارنده همه‌ی اقسام جرایم اقتصادی باشد، با مشکل مواجه کرده است. بطوری که برخی معتقدند ارائه تعریف جامع و مانع از جرایم اقتصادی ممکن نیست (میرسعیدی، ۱۳۹۲: ۱۷۵). فقدان ارائه تعریف از جرم اقتصادی، پراکندگی تقنینی در حوزه جرایم اقتصادی، سرکوبگرانه بودن سیاست جنایی در این زمینه، عدم انسجام عملی در سیاست کیفری واحد، غلبه عوام‌گرایی کیفری و امنیت محوری در سیاست جنایی مقابله با جرایم اقتصادی از جمله چالش‌ها و آسیب‌های موجود در سیاست جنایی فعلی ایران در قبال جرایم اقتصادی است. سیاست جنایی ایران در قبال جرایم اقتصادی با چالش‌های عدیده‌ای مواجه می‌باشد. تعریف قانونی جرم توضیح نمی‌دهد چرا انواع خاصی از رفتارها انتخاب و جرم تلقی می‌شود و بوسیله قانون قابل مجازات اعلام می‌شود. در حالیکه رفتارهای مشابه و حتی مساوی غیر مجرمانه تلقی می‌شوند و تبعاً غیرقابل مجازات می‌باشند؟ در قانون مجازات اسلامی مکرراً جرم سرقت را در انواع مختلف طرح کرده است در حالیکه انتظار میرفت با وجود فسادهای کلان مالی و اختلاس‌های اخیر کلاهبرداری و جرایم مرتبط در سیاهه‌ی قوانین قرار می‌گرفتند (دانا، ۱۳۹۳: ۲۲). از اساسی‌ترین این چالش‌ها و ابهامات می‌توان به عدم تبیین جامع و مانع از مفهوم و هدف جرایم اقتصادی، گستره پرونده‌ها، نحوه اتخاذ سیاست کیفری و میزان تناسب و اثربخشی آن اشاره نمود. (مومنی، ۱۴۰۱: ۱۰۹) تصویب برخی قوانین در مورد یقه سفیدان در برخی مقاطع، که با رویکرد کلی‌گفتمان حاکم بر دولت، قوه‌ی قضائیه یا مجلس تغایر و تناقضی دارد، مثلاً ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲، شهادتی بر همین ادعاست. شتابزدگی قانونگذار در تدوین قوانین مرتبط سبب شده که یک سیاست کیفری منسجم و قاطع در این خصوص دنبال نشود. از سوی دیگر سیاست تقنینی ایران که عمدتاً مبتنی بر خصیصه اربابی، سزادهی، کیفرگرایی و سرکوب‌گری مجازات‌ها و بعضاً اصلاح و تربیت استوار است را نمی‌توان به عنوان یک سیاست جنایی، مهارکننده پدیده بزهکاری خاصه فساد در نظام اقتصادی دانست. (حبیب زاده، ۱۳۹۶: ۸۸-۸۹) براساس طبق بند اول ماده ۵ قانون اصلاح قانون، به تمام جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور و محاربه و یا افساد فی الارض در دادگاه انقلاب اسلامی رسیدگی می‌شود. رسیدگی به انواع جرایم اقتصادی در بندهای گوناگون ماده یک قانون به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به موثر بودن اقدام به مقابله با نظام مزبور باشد، از نظر این که متضمن اقدام علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور است، با این دادگاه خواهد بود. در دیگر موارد به سبب نسخ ضمنی تبصره ۶ ماده ۲ قانون اخیر الذکر در این قسمت، دادگاه‌های عمومی صلاحیت رسیدگی خواهند داشت. اساساً رویکرد قانون نسبت به جرایم اقتصادی، سمت و سوی جزایی و کیفری دارد تا جنایی. برای جرایم اخلاک‌گری در نظام اقتصادی کیفرهای در نظر گرفته‌شده مشتمل حبس، شلاق، جزای

نقدی و ضبط اموال، اعدام است. قانون گذار در گردآوری مواد یک و ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور، مجازات های مرتکب یا مرتکبان را برحسب قصد آن ها شرح داده است. در صورتی که اقدامات انجام شده به حد افساد فی الارض نرسد و تنها اخلالگری در نام اقتصادی باشد دو حالت وجود دارد (رنانی، ۱۳۸۲: ۸۸) قانونگذار در ماده ۳۶ جرایمی را ذیل عنوان جرم اقتصادی قرار داده؛ علاوه بر آن موادی را در خصوص این جرایم پیش بینی نموده است که قاعداً باید نمایانگر قاعده مندی و وجود معیارهای مشترک در این جرایم باشد که آنها را ذیل عنوان جرم اقتصادی قرار داده است. (عباس زادگان، ۱۳۹۵: ۷۲-۷۳) واکنش های نامتناسب قانونگذار به جرایم یقه سفید، به طرز مشهودی در فرایند تصویب دو قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی و مبارزه با پولشویی به چشم می خورد. گرچه نقش متغیرهای بیرونی از جمله حوادث و اتفاقات پیش بینی نشده در به تصویب رسیدن برخی از قوانین ناظر بر جرایم یقه سفید، از جمله اضافه شدن یک بند به قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور به منظور جلوگیری از ترویج و فعالیت شرکت های هرمی (۸۴) و ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی (۹۲) تأثیرگذار بوده اند، به نظر می رسد تصویب این قوانین محصول تحولات مقطعی و پاسخی زودگذر به تشدید مطالبات عمومی است؛ بنابراین معمولاً این قوانین فرصت مناسبی برای اجرایی شدن، پیدا نمی کنند. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برای اولین بار طی مواد ۴۷ و ۱۰۹، با بکارگیری عنوان جرایم اقتصادی، این دسته از جرایم را مورد شناسایی قرار داده است. (مجاهد، ۱۳۹۴: ۲۲) این امر گام مثبتی در راستای تدوین سیاست جنایی متناسب با این دسته از جرایم محسوب می شود. با این حال نحوه عملکرد قانونگذار در رابطه با شناسایی این دسته از جرایم قابل توجه است؛ چرا که قانونگذار به صورت غیرمستقیم و به واسطه بند ب ماده ۱۰۹ ق.م.ا طیفی از عناوین مجرمانه مندرج در ماده ۳۶ این قانون را جرم اقتصادی خوانده است. در سیاست قضایی ایران مهمترین چالش ها در رویارویی با جرایم موجب اخلال در نظام اقتصادی کشور، تعدد مراجع رسیدگی کننده، تفاسیر و برداشت های دوگانه ی دادگاه های رسیدگی کننده از عبارات و واژه های مذکور در قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹ شمسی و همچنین نبود دادسرا و دادگاه های تخصصی در سطح استان های کشور، جهت انجام تحقیقات و رسیدگی تخصصی به این گونه جرائم است (حسین الحسینی، ۱۴۰۱: ۱۷). همچنین بدلیل مصلحت گرایی نیز موجب خدشه به اصل ۲۰ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۰ «همه افراد در برابر قانون مساوی اند.» گردیده است. لذا می توان گفت از دلایلی که در سال های اخیر جرایم اقتصادی در ایران روند صعودی داشته اند، سیاست مصلحت اندیشی و احتیاطی نظام قضایی و نظارتی جمهوری اسلامی ایران در برخورد قانونی با برخی اشخاص، نهادها و سازمان هایی است که مرتکب این گونه جرایم می شوند. در واقع عدم قاطعیت نهادها و دستگاه های نظارتی موجب نفوذ مفسدان اقتصادی به درون نظام اجرایی، قضایی و تقنینی کشور شده است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۲۷۹-۲۸۰). لذا ضرورت دارد سیاست قضایی ایران با تشهیر مجرم و شفاف سازی عملکرد دستگاه قضایی با انتشار حکم محکومیت قطعی مجرمین، ممنوعیت اعمال نهادهای ارفاقی تعویقی و تعلیقی و سکوت در خصوص سایر نهادهای ارفاقی مانند نظام نیمه آزادی، معافیت از مجازات، آزادی الکترونیکی و همچنین تعمیم زمانی سرزنش پذیری بواسطه ی منع اعمال قاعده مرور زمان اقدام نماید (خانی، ۱۳۹۲: ۸۷). پاسخ های عوام گرانه و پوپولیستی که منجر به عملکرد مقطعی و در پاسخ به فشارهای اجتماعی می گردد. در سیاست اتخاذ شده، تأکید و توجه بر حمایت از بزه دیده جرم است و به حقوق متهم التفاتی نگردیده است (مهدی پور، ۱۳۹۰: ۱۵۲).

۱- مفاهیم

۱-۱- معنای لغوی جرایم و فساد اقتصادی

واژه فساد در لغت به معنی تباهی، در اصطلاح از فعل لاتین «رومپر» به معنای شکستن است. بانک جهانی فساد را این‌گونه تعریف می‌کند: «سوءاستفاده از اختیارات دولتی برای کسب منافع شخصی» فساد و جرائم اقتصادی موجب محرومیت و فقر می‌شود. (صنعی، ۱۳۹۵: ۴۴). فساد از ریشه فسد و به معنای جلوگیری از انجام اعمال درست و سالم است و در زبان انگلیسی با واژه Corruption و ریشه لاتینی Rumpere مطرح می‌شود که به معنای شکستن و نقض کردن است و چیزی که شکسته یا نقض می‌شود، می‌تواند قوانین و مقررات یا قواعد اداری باشد. به این معنا، فساد هر پدیده‌ای است که مجموعه‌ای را از اهداف و کارکردهای خود بازدارد (تانزی، ۱۳۸۷)

۱-۲- معنای مصطلح جرم اقتصادی

«جرایم اقتصادی به دسته‌ای از رفتارهای غیر قانونی گفته می‌شود که موضوع آنها امنیت اقتصادی در سطح کلان است. « (دادخدایی، ۱۳۸۹، ص ۴۵) همچنین در جایی دیگر آمده است: «جرم اقتصادی عبارت است از کلیه رفتارها و سوءرفتارهایی که موجب اختلال در نظم اقتصادی و یا عملکرد بهینه مراکز اقتصادی در مقیاس‌های مختلف از واحدهای کوچک گرفته تا اختلال در اقتصاد کشور می‌شود.» (عباس زادگان، ۱۳۸۳، ص ۱۳۸) اما تعریفی که اکثر حقوقدانان بر آن اتفاق نظر دارند این است که: «جرایم اقتصادی جرایمی هستند که علیه اقتصاد کشور ارتکاب می‌یابند که یا به این قصد انجام می‌شوند یا در عمل موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌شوند.» (ساک، ۱۳۹۰، ۱۲)

عده‌ای حقوقدانان جرم اقتصادی را به شرح ذیل تعریف نموده‌اند: «رفتار اشخاص حقیقی یا حقوقی که سیاست اجتماعی و اقتصادی دولت را به خطر می‌اندازد و به آن آسیب می‌رساند جرم اقتصادی محسوب می‌شود» (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲، ۱۷۱-۱۷۰). در تعریفی دیگر «با توجه به نتیجه مجرمانه، بر قصد مرتکب نیز تأکید شده است. بر اساس این تعریف، جرم اقتصادی هر فعل یا ترک فعلی است که به قصد ضربه زدن به ارزشهای اقتصادی، نظام اقتصادی کشور را مختل کند» (کوشا، ۱۳۸۱، ۷). در مقابل، برخی معتقدند «آن دسته از جرایمی که علیه اقتصاد کشور انجام می‌شود یا با این نیت صورت می‌گیرد و یا در عمل نظام اقتصادی کشور را مختل می‌کند، جرایم اقتصادی محسوب می‌شود» (ساک، ۱۳۹۳، ۵). این تعریف در جای خود با در نظر گرفتن ضوابط مختلف و با مشخص نمودن دامنه و موضوع جرم و غیره، تعریفی جامع است. اما این تعریف با تمرکز بر قسمت مفسده جرایم اقتصادی (مانند اختلاس، ارتشاء، سوءاستفاده از مقامات دولتی علیه دولت و...) شکل می‌گیرد و مفهوم فساد اقتصادی را مطرح می‌کند. از نظر هدف جرم‌انگاری، هدف از جرم‌انگاری جرایم اقتصادی، حمایت کیفری از نظام اقتصادی کشور است و هدف از جرم‌انگاری جرایم علیه اموال، حمایت کیفری از حریم مالکیت خصوصی یا عمومی است. از نظر بزه‌دیده آثار جرایم اقتصادی دامن‌گیر اکثریت افراد جامعه می‌شود و متضرر این جرایم عموم مردم هستند؛ در حالی که متضرر جرایم علیه اموال، شخص یا اشخاص معین هستند. (بهره مند، ۱۳۹۷: ۷۶)

تعاریف فراوانی برای فساد وجود دارد. رابرت ب. زولیک، رئیس بانک جهانی فساد اقتصادی را سرطانی می‌داند که از فقیران می‌دزدد، در امور حکومتی و اخلاقی به مصرف می‌رساند و اعتماد را از بین می‌برد. در جایی دیگر فساد به سوءاستفاده از قدرت برای برداشت شخصی تعبیر شده است و مسائلی از جمله رشوه، کلاهبرداری، اخاذی، اختلاس و... را شامل می‌شود (دیبیاترا،

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در خصوص اهمیت مبارزه با فساد می‌فرمایند: ممکن است کسانی به خطا تصور کنند که مبارزه با مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از ثروت‌های ملی، موجب ناامنی اقتصادی و فرار سرمایه‌ها است. به این اشخاص تفهیم کنید که به عکس، این مبارزه موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند. تولیدکنندگان این کشور، خود نخستین قربانیان فساد مالی و اقتصادی ناسالمند به مسئولان خیرخواه در قوای سه‌گانه بیاموزید که تسامح در مبارزه با فساد، به نوعی همدستی با فاسدان و مفسدان است. اعتماد عمومی به دستگاه‌های دولتی و قضایی در گرو آن است که این دستگاه‌ها در برخورد با مجرم و متخلف، قاطعیت و عدم تزلزل خود را نشان دهند. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران به عنوان بالاترین سند بالادستی (بعد از قانون اساسی) محسوب می‌شود، به موضوع سلامت اقتصادی توجه نشان داده و ایران در افق ۱۴۰۴ را کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی در منطقه دانسته است. ویژگی‌هایی برای ایران در این چشم‌انداز در نظر گرفته است از جمله؛ برخورداری از سلامت، رفاه، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد، تبعیض و... (حاجی زاده، موسی‌زاده و شهابی، ۱۳۹۸: ۱۱۶)

۱-۳- عدم اتفاق نظر در تعریف جرم اقتصادی

مهم‌ترین چالش در مبارزه با جرائم اقتصادی ارائه تعریفی مناسب از آنها است. با وجود اینکه سالها از عنوان شدن جرم اقتصادی در کشورهای مختلف مجامع بین‌المللی می‌گذرد و سیاست‌های ملی در قالب قوانین کیفری داخلی و سیاست‌های فراملی در قالب کنوانسیون‌های بین‌المللی نظیر پالرمو و مریدا، برای مبارزه با جرائم و فساد اقتصادی پا به عرصه وجودی گذاشته‌اند، اما تاکنون تعریفی جامع مورد اتفاق برای این نوع جرم ارائه نشده است. اگر بر این باور باشیم که جرم اقتصادی ویژگی‌های خاص خود را دارد که به‌نوبه خود نوع برخورد با آنها را دگرگون می‌کند پس باید تعریفی از آن به دست داد تا حدود و مصداق‌های آن با دیگر جرائم دچار همپوشانی نشود. جرائم اقتصادی در کنار واژگانی چون فساد و جرائم سازمانیافته از علوم سیاسی و اقتصادی به جرم‌شناسی راه یافته‌اند و جرم‌شناسی چون در پی بررسی علل وقوع جرم و نحوه شناسایی مجرمین و پیشگیری از این قبیل جرائم می‌باشد؛ چندان در پی شناسایی دقیق جرائم اقتصادی و تفکیک صحیح این اصطلاح از عناوین مشابه نیست. در حالی که در حقوق کیفری اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها می‌طلبد تا مفاهیم به‌درستی از هم تفکیک شوند (مهدوی پور، ۱۳۹۰: ۱۴۳). گروهی دیگر جرائم اقتصادی را جرائمی می‌دانند که علیه نظام تولید، توزیع یا مصرف اقتصادی، به وقوع بپیوندد. بنابراین بسیاری از جرائم صنفی همچون گرانفروشی یا کم‌فروشی یک جرم اقتصادی خواهند بود (توسلی زاده، ۱۳۹۲: ۴۶). در جایی این چنین آمده است: «منظور از جرائم اقتصادی، جرائمی است که علیه سیاست اقتصادی دولت و برنامه‌ریزی اقتصادی آن صورت می‌گیرد. از جمله این جرائم می‌توان به جرائم گمرکی، جرائم ارزی، مالیاتی، احتکار و... اشاره کرد. «(اعظمی مقدم، ۱۳۹۰: ۷۴). تعریفی دیگری به این شرح جرم اقتصادی را تعریف کرده است: «جرم اقتصادی اعمال غیرقانونی ارتکاب یافته در قلمرو فعالیت‌های حرفه‌ای به‌منظور کسب امتیازات اقتصادی می‌باشد. این تعریف شامل فرار از مالیات، اشکال مختلف تقلب و اختلاس در شرکت‌ها و مؤسسات قانونی است. این تعریف یکی از ارکان جرم اقتصادی یعنی نتیجه و آثار آن را «اخلال در نظام اقتصادی» ذکر نکرده است و در آخرین تعریف این بخش، جرم اقتصادی به «هر گونه فعل یا ترک فعلی است که به قصد ضربه زدن به ارزش‌های اقتصادی، موجب اخلال در نظام اقتصادی کشور گردد» تعریف شده است

(مهردوی پور، ۱۳۹۰: ۱۳۶). در تعریف آخر عنصر اخلال در نظام اقتصادی کشور می‌تواند مفهومی وسیع‌تر داشته باشد. جرم اقتصادی از سه جهت قابل بررسی است: الف. مرتکب؛ ب. قصد ارتکاب، ج. نتیجه حاصله. بنابراین سه عامل می‌توان جرم اقتصادی را به‌عنوان یک تعریف جامع و مناسب، این‌گونه تعریف کرد: به رفتار مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که توسط افراد با سطح هوش و نفوذ بالا و استفاده از ابزارهای قدرتمند، در پی کسب امتیازات مالی، در بستر نظام مالیاتی، بانکی، حمل‌ونقل و مصرف با قصد ضربه زدن به سیستم اقتصادی ارتکاب می‌یابد و در نتیجه موجب اخلال عمده در چرخه نظام و فعالیت‌های اقتصادی می‌گردد. در راستای همگرایی جهانی در مبارزه با جرائم اقتصادی، کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مریدا) در سال ۲۰۰۳ به تصویب دولت‌های شرکت‌کننده رسید. کنوانسیون مریدا به امضای دولت ایران نیز رسیده و در جلسه علنی خردادماه سال ۱۳۸۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی در آمده است. کنوانسیون مریدا با یک مقدمه، ۷ فصل و ۷۱ ماده تنظیم شده است و در ۱۱ ماده آن جرم انگاری صورت گرفته است. جرم انگاری افعالی که در متن کنوانسیون به‌عنوان جرم اقتصادی قلمداد شده و الزام دولت‌های عضو به تأسیس این عناوین مجرمانه در حقوق کیفری داخلی خود از نتایج کنوانسیون مریدا است (ساک، ۱۳۸۹: ۸۵).

۱-۴- تعریف جرم اقتصادی به اعتبار مرتکب جرم

در این دسته از تعاریف انگیزه مالی مرتکب، موقعیت و حرفه اقتصادی مرتکب یا شخصیت حقوقی تجاری مرتکب، محور تعریف جرم اقتصادی قرار می‌گیرند. برای مثال «جرم اقتصادی جرمی است که برای به‌دست آوردن منافع مادی و اقتصادی صورت می‌گیرد» یا «جرم اقتصادی جرمی است که توسط فعالان اقتصادی در طی فعالیت اقتصادی برای به‌دست آوردن منافع و امتیازهای غیرقانونی اقتصادی صورت می‌گیرد.» در برخی از این تعاریف تحصیل عینی عواید مالی و منافع اقتصادی نیز وارد می‌شود. (کرامتی، ۱۴۰۰: ۱۵۸)

۱-۵- تعریف جرم به اعتبار بزه‌دیده جرم

با توجه به اینکه تعریف به اعتبار مرتکب نقایصی داشت مانند اینکه اگر فرد عادی علیه یک شرکت اقتصادی جرمی را مرتکب شود در شمول جرم اقتصادی قرار نمی‌گرفت، دسته دیگری از تعاریف، به اعتبار بزه‌دیده جرم شکل گرفته‌اند. متناظر با تعاریف دسته قبلی ورود خسارت مادی واقعی به بزه‌دیده، موقعیت و حرفه اقتصادی بزه‌دیده یا شخصیت حقوقی تجاری وی، محور این دسته از تعاریف بود. براساس این رویکرد جرم اقتصادی رفتاری است که به یک فعال اقتصادی خسارت مالی و اقتصادی وارد می‌کند. (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲، ۱۵۱)

۱-۶- تعریف جرم به اعتبار آثار و خسارت ناشی از جرم

تعاریف مذکور تمایز خاصی بین جرایم مالی و اقتصادی ایجاد نمی‌کرد. همچنین شامل جرایم اقتصادی زیادی که بزه‌دیده خاص نداشت، نمی‌شد. از این رو دسته سومی از تعاریف ارائه شده‌اند که در آنها بر این تمایز و تأکید بر آثار اقتصادی این نوع جرایم نسبت به جرایم مالی تمرکز شده است. ارتکاب رفتاری علیه نظام اقتصادی یا منافع اقتصادی عمومی مانند محیط زیست منجر به اخلال در نظام اقتصادی، ایجاد خسارت کلان مادی بیش از سطح مشخص قانونی یا عرفی در تمایز

با جرایم ساده مالی، محور این دسته از تعاریف را شکل می‌دهند (دادخدایی، ۱۳۸۹: ۶۲-۵۵) در این تعاریف سایر جرایم مشتمل بر خسارت مادی کماکان در قالب جرایم مالی بررسی می‌شوند.

۱-۷- تعریف جرم به اعتبار فرایند ارتکاب جرم اقتصادی

نظر به اینکه هیچ‌یک از تعاریف مذکور تمام مصادیق جرم اقتصادی را شامل نمی‌شوند، دسته دیگری از تعاریف حول این محور شکل گرفته‌اند که جرم اقتصادی رفتاری کیفی است که طی یک فرایند و تعامل اقتصادی صورت می‌گیرد. از این رو «جرایم اقتصادی مجموعه رفتارهایی هستند که کارکرد، الزامات و نظم نهادها و فرایندهای نظام اقتصادی را دچار اختلال اساسی می‌کنند» بنابراین نظم اقتصادی موضوع اصلی حمایت کیفی خواهد بود. (مهدی پور، ۱۳۹۰: ۱۵۲).

۲- آثار منفی فساد مالی و جرایم اقتصادی بر رشد اقتصادی

تأثیر منفی عمیق فساد مالی بر روی رشد اقتصادی و در نتیجه توسعه اثر منفی بسزایی می‌گذارد. کاهش کارایی اقتصادی، تخصیص نادرست منابع و توزیع نامناسب درآمدها به‌همراه کاهش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در بلندمدت بر روی رشد اقتصادی کشور اثر منفی خواهد گذاشت؛ در نتیجه، پیامدهای اقتصادی شیوع فساد مالی در کشورها می‌تواند شامل ضد رشد و توسعه بودن مفاسد مالی، ایجاد و گسترش فقر و آثار و پیامدهای آن و نیز تغییر فرهنگ اقتصادی شود. پیامدهای منفی فساد در شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی می‌تواند هم از نظر اجتماعی و هم از نظر فردی کارساز باشد. (عظیمی، ۱۳۹۵: ۹۲)

۲-۱- تخصیص نادرست منابع کمیاب

فساد در فرایند بودجه‌ریزی، هزینه‌های مهم برای شبکه‌های توسعه و امنیت اجتماعی را کاهش می‌دهد. بنابراین منابع مالی محدود را به‌جای خرج کردن در بخش‌های اجتماعی که اولویت دارند، در مناطقی صرف می‌کنند که تنها اندکی از افراد بهره‌مند می‌شوند.

۲-۲- پایمال شدن حقوق افراد

دستگاه اداری فاسد حلقه فساد را ایجاد می‌کند که در آن دولت قدرت و توانایی حکومتی خود را از دست می‌دهد. زمانی که فساد حاکم باشد حقوق و آزادی‌های انسانی تهدید شده و قراردادهای اقتصادی و اجتماعی نیز غیرقابل پیش‌بینی می‌شود.

۲-۳- معاف شدن مجازات

دستگاه قضائی و کارکنانی که رشوه می‌گیرند بر عناصر فساد و جرم در جامعه تأثیر می‌گذارند. بنابراین فساد در دستگاه قضائی سبب معافیت از مجازات و ایجاد عدم اطمینان برای کسانی می‌شود که در پی انصاف و عدل به‌ویژه برای افراد فقیر هستند. بر اساس نظریه اقتصادی، فساد رشد اقتصادی را کند می‌کند زیرا انگیزه سرمایه‌گذاری را برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی کاهش می‌دهد. در شرایطی که سرمایه‌گذاران در همان گام نخست می‌بایست رشوه بدهند تا بتوانند سرمایه‌گذاری کنند یا اینکه با هر قدمی که برمی‌دارند با توقع مأموران و مقامهای دولتی روبرو باشند، ارتشاء مانند مالیاتی ویرانگر و زیانبار عمل می‌کند زیرا پرده پوشی و خفاکاری و بی‌اطمینانی به انجام قول و قرارهای رشوهگیران آثار منفی خود را به‌جای می‌گذارد.

فساد از راه کاستن از کیفیت خدمات و زیربناهای عمومی نیز جلوی رشد اقتصادی و اجتماعی را می‌گیرد، درآمدهای مالیاتی را کاهش می‌دهد، استعدادهای درخشان را از روی آوردن به کارهای تولیدی و ثمربخش بازمی‌دارد و به‌سوی فعالیت‌های بی‌حاصل اما پر سود و نان و آبدار می‌کشاند و ترکیب مخارج دولت را به هم می‌ریزد و ناسالم می‌کند. در عین حال کسانی هم هستند که می‌خواهند فساد را به‌نحوی توجیه کنند، از جمله می‌گویند که رشوه‌گیران ممکن است پرکارتر و فعالتر از آب درآیند یا اینکه وجود فساد و رشوه‌خواری ممکن است موجب شود سرمایه‌گذاران موانع و پیچ‌وخم‌های اداری را دور بزنند! البته چنین توجیهی با عقل سلیم و رأی خرد ناسازگار است و هزار و یک تاب و پیامد ویرانگر را نادیده می‌گیرد. آثار فساد فقط به قلمرو سرمایه‌گذاری و بنگاه اقتصادی محدود نمی‌گردد بلکه امواج آن سراسر جامعه را تکان می‌دهد و اخلاق و رفتار جامعه را تباه می‌سازد و به بیراهه می‌کشاند.

کاری ترین ضربت فساد بر پیکر اقتصاد، به هم ریختن ترکیب مخارج دولت است. سیاستمدارانی که فاسد باشند منابع مالی را بیشتر به جاهایی سوق می‌دهند که رشوه‌های کلان عایدشان کند و صدای آن هم در نیاید. به‌عنوان مثال، منابع را به تولید کالاهایی تخصیص می‌دهند که رقابت در مورد آنها ضعیف باشد یا به تولید چیزهایی رو می‌آورند که ارزیابی ارزش آنها دشوار است. (عباسی، ۱۳۹۵: ۲۳)

۲-۴- ترکیب مخارج دولت

مطالعات مقایسه‌ای در چند کشور نشان داده است که فساد ترکیب مخارج دولت را عوض می‌کند. دولت‌های فاسد برای آموزش و پرورش و حتی بهداشت و درمان از دولت‌های سالم کمتر هزینه می‌کنند و بیشتر اعتبارات را به‌سوی سرمایه‌گذارهای دولتی سوق می‌دهند. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که فساد مالی موجب به‌هم ریختن ترکیب مخارج دولت می‌شود؛ چرا که سیاستمداران فاسد منابع را بیشتر به بخش‌هایی سوق می‌دهند که سودهای کلان عایدشان شود. آنان به خرید هواپیمای جنگی و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عظیم و پر سر و صدا بیشتر علاقمند هستند تا چاپ و تولید کتب درسی و افزایش حقوق معلمان ولو اینکه این نوع خرجها بیش از آن نوع دیگر به رشد اقتصادی کمک کند. فساد بیشتر در جایی لانه می‌کند که ضعف‌های نهادی دیگر مانند بی‌ثباتی سیاسی و کاغذبازی اداری وجود داشته باشد و نظام‌های قانونگذاری و قضایی نیز ضعیف باشد. با وجود این، با قطع و یقین نمی‌توان گفت که آیا فساد دلیل منحصر‌بفرد لنگی رشد اقتصادی است یا اینکه ضعف‌های نهادی مرتبط با آن نیز نقش دارد. حقیقت این است که تمام این نقص‌ها و نقطه‌های ضعف با یکدیگر ارتباط درونی دارند و یکدیگر را تقویت می‌کنند (به‌عنوان مثال، کاغذبازی راه فساد را می‌گشاید و مأموران یا مقام‌های داری فاسد نیز بر کاغذبازی و تشریفات اداری می‌افزایند تا رشوه‌های بیشتری بگیرند). بنابراین، اگر کشوری بتواند ریشه فساد را بخشکاند، درمان دردهای نهادی دیگرش آسان تر خواهد شد، چنانکه اصلاح نسبی ضعف‌های نهادی دیگر مهار فساد را آسانتر می‌کند. (حق‌پناهان، ۱۳۹۲: ۸۱)

۲-۵- مانع رشد اقتصادی

از نقطه‌نظر تئوری اقتصادی می‌توان ادعا کرد که فساد مانع رشد اقتصادی است، زیرا انگیزه سرمایه‌گذاری مولد را از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی می‌گیرد. در مواردی که مقامات فساد دولتی پیش از آغاز به کار یک پروژه اقتصادی درخواست رشوه می‌کنند و یا اینکه تقاضای مشارکت در سود حاصله را دارند، رشوه همچون مالیات عمل می‌کند. فساد از طریق تضعیف

زیرساخت‌های عمومی و خدمات همگانی و نیز کاهش درآمدهای مالیاتی موجب کندی آهنگ رشد اقتصادی می‌شود. در نتیجه، افراد با استعداد به جای اشتغال در مشاغل مولد به دلالتی و واسطه‌گری روی می‌آورند. یکی از کانالهایی که فساد از طریق آن به اقتصاد یک کشور لطمه وارد می‌آورد از شکل انداختن و منحرف کردن ساختار و ترکیب هزینه‌های دولتی است. بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که هر کشوری بتواند شاخص فساد را در قلمرو خود از ۶ به ۸ برساند (صفر به معنای بیشترین فساد و ۱۰ به معنای کمترین فساد است) افزایش سرمایه‌گذاری به میزان ۴ درصد و افزایش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را به میزان ۵ درصد تجربه خواهد کرد. این به آن معنا است که دستاوردهای بسیار بزرگ مبارزه با فساد اختصاص هرگونه هزینه‌ای را به این امر توجیه می‌کند. بنابراین، این استدلال خطاست که فساد موجب سرعت بخشیدن به حرکت کند چرخ‌های بوروکراسی می‌شود. دولت‌های فاسد، هزینه کمتری را به مسائل آموزشی و بهداشتی اختصاص می‌دهند. براساس بررسی‌های انجام گرفته فساد در جایی رواج گسترده دارد که اشکال مختلفی از نابسامانی‌های نهادین را تجربه می‌کنند؛ بی‌ثباتی سیاسی، بوروکراسی حجیم، سیستم قضایی و حقوقی ضعیف و ناقص و... در این مناطق می‌بایست ضعف نهادین را دلیل اصلی رشد کند اقتصاد دانست و نه فساد را که خود معلول این ضعف است. فساد مالی موجب کند شدن رشد اقتصادی می‌شود، زیرا انگیزه سرمایه‌گذاری را برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی کاهش می‌دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاران در یک کشور فاسد در مقایسه با کشوری که دچار فساد اندک است معادل ۲۰ درصد مالیات اضافی بر سرمایه‌گذاری دارند.

۲-۶- بی‌ثباتی سیاسی

تداوم و استمرار فساد در برخی از کشورهای جهان، به‌وضوح نشان می‌دهد که چگونه فساد موجب بی‌ثباتی سیاسی می‌شود. به این ترتیب، فساد و بی‌ثباتی سیاسی در عمل دو روی سکه‌اند. در کشورهایی که کودتاهای سیاسی یکی پس از دیگری روی می‌دهد، در واقع یک رژیم فساد جای رژیم فاسد دیگری را می‌گیرد. با این حال دیکتاتورهایی هستند که سالیان دراز بر مسند قدرت باقی می‌مانند و دست اطرافیان خویش را در چپاول بیت‌المال باز می‌گذارند. این رژیم‌ها را مجموعه‌ای از افراد و نخبگان تشکیل می‌دهند که درباره سطح مشخصی از فساد و چپاول اموال به توافق می‌رسند. این سطح از فساد اگرچه بالاست اما آنقدر نیست که موجب سرنگونی رژیم دیکتاتوری شود.

۲-۷- اتخاذ تصمیمات نادرست

فساد موجب اتخاذ تصمیمات نادرست از سوی دیوانسالاران می‌شود؛ چرا که آنان از طرح‌های زیر استاندارد، پرهزینه، پیچیده و سرمایه‌بر که به سهولت حسابرسی نمی‌شوند حمایت می‌کنند تا آسانتر مبالغ هنگفتی را به سود خود برداشت نمایند.

۲-۸- فاصله طبقاتی

فساد مالی، فاصله طبقاتی و نابرابریها را افزایش می‌دهد، زیرا منابع غالباً به بخش‌هایی تخصیص داده می‌شود که قدرت بازپرداخت آن را دارند. به عبارتی، افرادی که از توانایی‌های مالی و موقعیتی بهتر برخوردارند منابع بیشتری را جذب می‌کنند که این امر منجر به بیشتر شدن شکاف طبقات می‌شود (بخشی، ۱۳۹۱: ۷۸).

۳- جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی و سیاست تقنینی ایران در قبال فساد اقتصادی

بند «ب» ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی، شمول مرور زمان را نسبت به جرایم اقتصادی منع کرده و در تعیین مصادیق این دسته از جرایم مقرر می‌کند: جرایم اقتصادی شامل کلاه برداری و جرایم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده. ماده ۳۶ قانون مزبور نیز در خصوص انتشار حکم محکومیت قطعی برخی از جرایم است که در تبصره آن، انتشار حکم قطعی سیزده دسته از جرایم را که میزان مال موضوع جرم، یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد، به صورت الزامی مورد حکم قرار داده است که وفق بند «ب» ماده ۱۰۹ قانون مذکور این سیزده دسته جرم به همراه کلاهبرداری، ذیل عنوان جرایم اقتصادی قرار گرفته‌اند که عبارت اند از:

الف - رشاء و ارتشاء، ب - اختلاس، پ - اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری، ت - مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، ث - تبانی در معاملات دولتی، ج - اخذ پورسانت در معاملات خارجی، - تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت، ح - جرایم گمرکی، خ - قاچاق کالا و ارز، د - جرایم مالیاتی، ذ - پولشویی، ر - اخلال در نظام اقتصادی کشور، ز - تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی.

چندین نکته در روش تبیین جرم اقتصادی در ماده مذکور شایان توجه است:

قانون از تعریف کلی جرم اقتصادی اجتناب کرده و از روش تبیین مصداقی همانند روش شورای اروپا استفاده کرده است. این روش قبل از قانون مذکور در بخشنامه رئیس قوه قضاییه در خصوص جرایم کلان اقتصادی نیز به کار گرفته شده بود. بررسی این دو مقرر نشان می‌دهد که مصادیق آنها انطباق کامل ندارند. شکل نگارش ماده به صورتی است که این مصادیق، حصری است و مانع اطلاق عنوان جرم اقتصادی به سایر جرایم می‌شود. از این رو سایر رفتارهای مخل نظم اقتصادی در صورتی که یکی از مصادیق جرایم مذکور نباشد، به هر اندازه که اهمیت داشته باشند، عنوان «جرم اقتصادی» ندارند و مشمول تشدیدهای مذکور در قانون جدید مجازات اسلامی نخواهند بود.

۳-۱- سیاست تقنینی کنشی (پیشگیری غیرکیفری)

سیاست جنایی کنشی، شامل آن دسته از تدابیر غیرکیفری است که پیش از ارتکاب جرم و گذار اندیشه به فعل از طریق مداخله در اوضاع و احوال پیش جنایی انجام می‌گردد. اساساً در انجام جرم اقتصادی سه گروه احتمالی از مجرمین قابل تصور است، گروه اول، اشخاص حقیقی یا همان شهروندان می‌باشد. گروه دوم اشخاص حقوقی خصوصی و شرکت‌ها که عمدتاً انجام جرم اقتصادی توسط آنها گسترده‌تر است و گروه سوم، دولت و اشخاص حقوقی دولتی و شبه‌دولتی که در اغلب موارد یک طرف جرائم گسترده و سازمان یافته می‌باشند. پر واضح است که نحوه برخورد و پیشگیری از وقوع جرائم اقتصادی احتمالی توسط هر یک از این ۳ گروه با دیگری متفاوت است. مسلم است که پیشگیری از فساد اقتصادی توسط دولتمردان قدرتمند و ذینفوذ که خود نیز داعیه مبارزه با مفاسد اقتصادی را دارند بسیار مشکل است. دولت برای مهار بهتر مفاسد اقتصادی نیازمند مدیریت مناسب و مطلوب محیط‌های فیزیکی و اجتماعی دارد تا فرصت‌های مساعد ارتکاب جرم را به حداقل برساند، باید توجه داشت دولت‌هایی که در پیشگیری از اقدامات فسادآلود، سیاست جنایی کنشی را دنبال می‌کنند از طریق حذف و محدودسازی عوامل جرم‌زا و نیز مدیریت مناسب محیط‌های فیزیکی و اجتماعی بزهکاری را مهار می‌کنند. از طرف دیگر پیش زمینه‌های بسیاری در وقوع جرم اقتصادی دخیل هستند. مولفه‌های زمینه‌سازی چون وجود بیکاری، و بویژه بیکاری جوانان، پایین بودن

دستمزدها، توزیع ناعادلانه ثروت و... که بدون شناخت این مولفه‌ها و تلاش در مرتفع ساختن آنها، اساساً پیشگیری از جرم اقتصادی به سرانجام نخواهد رسید. و همانگونه که سابقاً بیان گردید، سیاست جنایی برای اینکه موثر در کنترل و مهار پدیده بزهکاری باشد می‌بایست در قالب یک طرح و استراتژی و سیاست اجتماعی کلی قرار گرفته و ابزارهای آن را نیز نمی‌توان تنها در رویکرد سرکوبگرانه و پاسخ‌های تنبیهی جستجو کرد بلکه رویکرد بازدارنده و پیشگیرانه نسبت به وقوع جرائم نیز نقش عمده‌ای در تعیین سیاست جنایی ایفاء می‌نماید.

مطابق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائیه باید وظایف خود را در دو بخش پیشگیری و مجازات مجرمان بطور همزمان انجام دهد. اجرای طرح‌های پژوهشی برای ریشه‌یابی علل وقوع جرائم اقتصادی از منظر قضایی و یافتن راهکارهای مناسب برخورد با آنها یکی از مهمترین وظایف قوه قضائیه برای پیشگیری از مفاسد اقتصادی به شمار می‌آید. این امر به تدریج، تهیه لوایح قانونی مناسب را بدنبال خواهد داشت (مقیمی، ۱۳۹۶: ۸۹). در راستای سیاست جنایی کنشی، مداخله در اوضاع و احوال پیش جنایی از طریق سیستم‌های نظارتی امری لازم و ضروری است و این درحالی است که در ایران ضعف سیستم نظارتی یکی از عوامل اصلی بروز جرائم اقتصادی می‌باشد. همواره این سوال مطرح است که چرا با وجود نهادهای متعدد نظارتی همچون بازرسی کل کشور، همچنان شاهد انواع و اقسام فسادهای مالی و اقتصادی هستیم؟ در پاسخ به این سوال از یکسو می‌توان به عدم همکاری و مساعدت لازم قوای سه‌گانه مملکتی با یکدیگر و از سوی دیگر به نبود فرهنگ‌سازی همگانی و پذیرش موضوع بعنوان یک ضرورت توسط جامعه و دولت اشاره کرد. این درحالی است که ما برای تحقق پیشگیری غیرکیفری در کشور علاوه بر همکاری تمامی قوای سه‌گانه اعم از مقننه، مجریه و قضائیه، نیاز به شناخت ریشه‌ها و انگیزه‌های فساد اقتصادی و آسیب‌شناسی این انگیزه‌ها داریم که اهم آنها عبارتند از: ضعف باورهای مذهبی و اعتقادات دینی، نارسایی و ناکارآمدی نظام نظارت و ارزیابی، نارسایی در نظارت عمومی، اشکالات ساختاری در پیکره دولت، نامناسب بودن امنیت شغلی، سیاست‌زدگی نظام و اختلاف بین مسئولان و شخصیت‌های سیاسی-اجتماعی، کاهش فرصت‌های سالم و پیشرفت برای افراد و تخریب رقابت سالم در بازار، تورم و افزایش قیمت‌ها و....

همانگونه که ملاحظه می‌گردد، وقوع جرائم اقتصادی ناشی از عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی است که توجه همه‌جانبه به این عوامل از پیش نیازهای مبارزه با فساد اقتصادی است. به هر حال به نظر می‌رسد بالا رفتن نرخ فساد اقتصادی در ایران و تأثیر اندک زردخانه کیفری در امر مبارزه با این جرائم، مقام‌های مسئول را آگاه کرده است، که دستگاه عدالت کیفری، تنها راهحل مبارزه با فساد اقتصادی نیست. و از باب پیشگیری کنشی (پیشگیری قبل از ارتکاب جرم) می‌توان به قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۷ شهریور ۱۳۹۴ اشاره کرد. در ماده (۳) این قانون چنین آمده است:

ماده (۳) - در اجرای وظایف زیر، شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم تشکیل می‌شود:

(۱) تقسیم کار ملی در چهارچوب وظایف و مأموریت‌های قوای سه‌گانه کشور و اتخاذ تدابیر مناسب برای هماهنگی و توسعه همکاری بین دستگاه‌های مسئول در امر پیشگیری؛

(۲) تعیین راهبردها، سیاست‌های اجرائی و برنامه‌های ملی پیشگیری از وقوع جرم در چهارچوب قوانین و سیاست‌های کلی نظام؛

(۳) بررسی و تصویب برنامه‌های کلان برای گسترش فرهنگ، ایجاد زمینه‌های مشارکت مردم و نهادهای دولتی و غیردولتی در امر پیشگیری از وقوع جرم و حمایت از آنها؛

۴) بررسی و اتخاذ تصمیم جهت شناسایی زمینه‌ها و علل وقوع جرم، کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارزیابی نتایج اجرای طرحها و برنامه‌های ملی پیشگیری، سنجش و پیگیری عملکرد نهادهای مسئول در این زمینه؛
 ۵) اتخاذ سیاست‌های موردنیاز در جهت حمایت از بزه دیدگان و محکومان و خانواده آنان و اصلاح و جامعه-پذیری محکومان و برخورداری آنان از زندگی شرافتمندانه.

همچنین در بند (۲) از ماده (۵) این قانون چنین آمده: «انجام تحقیقات و پژوهش‌های موردنیاز برای آسیب-شناسی علل وقوع جرم و راههای پیشگیری از آن از طریق نهادهای تحقیقاتی در قوای سه‌گانه و مراکز پژوهش دانشگاهی و در صورت نیاز انجام تحقیقات مذکور به صورت مستقل و تهیه و انتشار گزارشهای آماری ادواری و سالانه» و در ماده (۶) آمده: «هریک از قوا موظفند با استفاده از سازوکارها و ساختارهای خود نسبت به تحقیق و مطالعه درباره علل وقوع جرم و راههای پیشگیری از آن اقدام نمایند. ..».

در خاتمه، تاکید می‌شود که پیشگیری ضرورتی غیرقابل انکار است و منطقی این است به جای اینکه منتظر بمانیم تا فردی مرتکب جرم شده و سپس طی فرایندهای پیچیده دادرسی وی را محاکمه و مجازات نمائیم، بهتر است از وقوع جرم پیشگیری کنیم. بنظر می‌رسد که در سیاست جنایی ایران، پارادوکسی در زمینه پیشگیری وجود دارد زیرا از یک طرف اصل (۱۵۶) قانون اساسی وظیفه پیشگیری از جرم را برعهده قوه قضائیه نهاده است و از طرف دیگر پیشگیری از جرم مستلزم سازوکارها و نهادهایی است که عملاً در قوه مجریه قرار دارند (گروه پژوهشی حقوق جزا و جرم‌شناسی اداره کل پژوهش و اطلاع‌رسانی، ۱۳۸۷: ۲۲۱). به هر حال امید است که با اجرایی شدن قانون پیشگیری از جرم به یک ساختار مناسب برای عملیاتی کردن پیشگیری از جرم از طریق همکاری تمامی نهادهای مسئول و مرتبط برسیم.

۳-۲- سیاست تقنینی واکنشی (کیفری)

سیاست جنایی واکنشی در واقع پیشگیری کیفری از بزهکاری است و در برگیرنده مجموعه تدابیر و اقدامهای نظام عدالت کیفری است که پس از وقوع جرم به منظور بازداشتن بزهکاران احتمالی و واقعی از ارتکاب بزهکاری نخستین یا دوباره (تکرار) اعمال می‌شود. به تعبیر دیگر مجازات بعنوان سلاخی برای پیشگیری از جرائم بعنوان سنتی‌ترین راهکاری اجتماعی استفاده می‌شود. تصور موجود در مورد مجازات این است که خاصیت ارعاب و و عبرت‌آموزی موثر واقع می‌شود و مجازات مجرم پیشگیری از تکرار جرم از سوی بزهکار را به دنبال دارد و همچنین با مجازات مجرم انتظار می‌رود بزهکاران بالقوه هم که ممکن است در آینده مرتکب جرم شده، منصرف شوند. در واقع جامعه با چنین واکنشی قصد دارد با ایجاد ترس، مانع از آن شود که بزهکاران بالقوه و بالفعل به سوی جرم بروند. مجازات رویکرد سنتی است که در واقع واکنشی به جرم است این رویکرد از زمان تشکیل اجتماعات بشری تا به امروز حول محور این توجیه که کیفر باید موجب تنبیه و بازدارندگی مجرم و تنبیه بزهکاران بالقوه شود، چرخیده است (نجفی توانا، ۱۳۹۹: ۶۳).

این نوع تفکر کیفرمدار در سیاست جنایی تقنینی ایران قابل مشاهده است، سیاستی که صرفاً براساس برداشت‌های انتزاعی از مفهوم جرم و مجازات، از آغاز انقلاب تاکنون با جرم‌انگاریهای افراطی نه تنها نظام عدالت را با بحران تورم کیفری مواجه ساخته است، بلکه با تجاوز به حقوق و آزادی‌های فردی، زمینه نارضایتی بی‌اعتمادی جامعه به عملکرد و اضعان سیاست جنایی را نیز مهیا نموده است. با وصف این نکته که جرم‌سازی و جرم‌انگاری امری استثنایی است، جرم‌انگاری افراطی و نابخردانه و پیش‌بینی مجازاتهای سنگین

سرکوبگرانه در متون کیفری بدون رعایت مصالح اجتماعی، موجب خواهد شد تا به دلیل کثرت رفتارهای مجرمانه و نیز احتمال بیشتر ارتکاب بزه، قبح اعمال مجرمانه و تعهد افراد در خصوص احترام به ارزشهای جامعه تقلیل یابد (همان، ۱۷).

۴- دلایل عدم اجرای عملی و ناکارآمدی در دستگاه قضایی در مواجهه با جرایم و مجرمین اقتصادی

۴-۱- ضعف سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری قوه مقننه

مهم‌ترین کارکرد قوه مقننه، تدوین سیاست‌ها در سطح کلان و روشن کردن مسیر حرکت کشور به سوی اهداف برنامه ریزی‌شده است؛ از این رو سیاست‌گذاری در حوزه‌هایی نظیر صندوق‌های بازنشستگی، خصوصی‌سازی، مشارکت در سازمان‌های بین‌الملل، فیلترینگ و کنترل رسانه‌های جدید، پذیرش ضوابط پولی بین‌المللی، بحران بانک‌ها، یارانه‌ها و ده‌ها مسئله کلیدی دیگر مصادیق متعدد از بحران سیاست‌گذاری در ایران هستند. نظام اداره کشور در سال‌های اخیر از یک طرف سیاست‌هایی اتخاذ کرده است که زمینه‌ساز فساد بوده و از سوی دیگر در اتخاذ سیاست‌های ضد فساد هم قوی عمل نکرده است. برای مثال اعطای انواع یارانه‌های غیرمستقیم، نظام سهمیه‌بندی در حوزه‌های مختلف، فرایندهای متعدد و پیچیده مجوزدهی دولتی، خصوصی‌سازی صوری، انحصار و کنترل‌های قیمتی از دیگر مصادیق اقداماتی هستند که مساعدکننده شرایط برای بروز فسادند. در حوزه قانون‌گذاری، در حقوق کیفری که سامان‌دهنده پاسخ‌های کیفری است، تعریف دقیق و به تعبیری جامع و مانع جرایم، از اهمیتی دوچندان برخوردار است و شفاف بودن تعاریف اهمیت بیشتری دارد. قوانین کیفری باید به نحوی تنظیم شود تا با عینی کردن مفاهیمی چون «اخلال» و وضع معیاری عینی موجب شود هم قضات در تشخیص اختلال و درجات آن دچار مشکل نشوند و هم متهمان قبل از ارتکاب جرم بدانند در صورتی که معیار قانونی را نقض کنند با مجازاتی چون مجازات جرم افساد فی الارض روبه‌رو خواهند شد و در نتیجه قانون‌معد سلیقه‌گرایی نباشد.

در این صورت زرادخانه کیفری اثر بازدارنده خود را خواهد داشت و فرصت‌های ارتکاب جرم نیز به حداقل خواهند رسید. در حوزه جرایم اقتصادی، با مراجعه به قوانین ماهوی، به نظر می‌رسد قانون‌گذار علاوه بر عدم تعریفی دقیق از جرایم اقتصادی، در تعیین ضمانت‌اجراهای کیفری این جرایم شامل (اعدام، حبس بلندمدت، انفصال از خدمات دولتی، جزای نقدی و شلاق) سیاست واحدی ندارد و تشتت در این حوزه باعث شده است تا علاوه بر مشکلاتی که در حوزه جرم‌انگاری وجود دارد، اهداف مورد انتظار از پاسخ‌های کیفری ناظر به جرایم اقتصادی نیز تأمین نشود. با ملاحظه ضمانت‌اجراهای مذکور، مشخص می‌شود که قانون‌گذار در جرایمی که شباهت‌های زیادی با هم دارند، مجازات‌های متفاوتی وضع کرده است. از این رو، ضروری است با بازشناسی مصادیق جرایم اقتصادی، پاسخ‌های کیفری متناسب با آنها و هماهنگ با سایر جرایم اقتصادی را پیش‌بینی کند.

برای نمونه، تفاوت میزان مجازات حبس بلندمدت در قوانین مختلف مربوط به جرایم اقتصادی از جمله قانون مجازات اخلاک‌گران (حبس از ۵ سال تا ۲۰ سال) و ماده ۴ قانون تشدید (حبس از ۱۵ سال تا ابد) مشاهده می‌شود. در برخی از جرایم مانند اختلاس نیز مجازات حبس از ۲ تا ۱۰ سال، در مورد ارتشا در مواردی حبس از ۵ تا ۱۰ سال، برای کلاهبرداری حبس از یک تا ۷ سال و در کلاهبرداری مشدد، حبس از ۲ تا ۱۰ سال پیش‌بینی شده است.

جزای نقدی ضمانت‌اجرایی است که به نظر می‌رسد با هدف بازدارندگی و شخصیت مرتکبان این جرایم تناسب بیشتری دارد و در غالب این جرایم پیش‌بینی شده است؛ هرچند در برخی جرایم مانند جرم مداخله کارکنان دولتی در معاملات دولتی تنها مجازات حبس از ۲ تا ۴ سال مقرر شده است. در مواردی که این ضمانت اجرا پیش‌بینی شده، عدم تناسب مشهود است. گاه «جزای نقدی معین» مانند ماده ۱ قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی (جزای نقدی از دو هزار ریال تا

پانزده هزار ریال) است که طبیعتاً با گذشت زمانی حدود ۸۰ سال از تصویب این قانون، عملاً این مجازات هدف خود را از دست داده است. یا جرم موضوع ذیل ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی- تعزیرات که مجازات نقدی از ۳ تا ۳۰ میلیون ریال را دارد. گاه از «جزای نقدی نسبی» استفاده شده که مبلغ آن نسبتی با عواید ناشی از جرم است. در اینجا نیز مبانی متفاوتی وضع کرده است: این مبالغ یا معادل اموال ناشی از جرم است (مانند کلاهبرداری، ارتشا و اخذ پورسانت و پولشویی) و گاه این مبلغ دو برابر ارزش مال کسب شده است (مانند جرم اختلاس و بخش نخست ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی- تعزیرات). گاه این نسبت به ۷ تا ۱۰ برابر ارزش موضوع جرم نیز می‌رسد (مانند بند «ت» ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در خصوص کالای ممنوعه یا وارد کردن مشروبات الکلی موضوع ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی- تعزیرات که ملاک ۱۰ برابر را مقرر کرده است). در کنار مشکلات ماهوی قوانین جرایم اقتصادی، می‌توان به فرایند طولانی قانون‌گذاری مربوط به قوانینی که به طور غیرمستقیم می‌توانند موجب شفافیت و پیشگیری از جرایم اقتصادی شوند، اشاره کرد. (جوآمرد، ۱۴۰۰: ۵۵)

۴-۲- ضعف سیاست‌های اجرایی و اقدامات متزلزل قوه مجریه

علاوه بر سیاست‌گذاری کلان توسط قوه مقننه، دولت نیز می‌تواند در همه زمینه‌های اجرایی و در حیطه اختیارات خود، سیاست‌هایی اتخاذ و اجرا کند. اما آنچه در مرور کارنامه دولت‌های مختلف در کشور به چشم می‌خورد، ناتوانی و عدم موفقیت در این زمینه و رفتارهایی برای اخذ رأی در انتخابات بوده است. در حقیقت با ضعف در سیاست‌گذاری مناسب و حتی اتخاذ سیاست‌های اشتباه، اقتصاد کشور به خصوص در سال‌های اخیر عملکرد مناسبی نداشته است و سیاست‌های اتخاذ شده در بخش‌های مختلف به خصوص سیاست‌های ارزی، پولی بودجه‌ای فرصت‌هایی برای گسترش جرایم اقتصادی ایجاد کردند به گونه‌ای که تیتتر هر روز روزنامه‌ها و رسانه‌های کشور عمدتاً به دستگیری متهمین یا افشای این جرایم اقتصادی اختصاص یافته است.

سیاست‌های اشتباه ارزی موجب شد تا قاچاق روندی افزایشی به خود بگیرد و حتی با تغییر مسیر، سیری معکوس پیدا کند. در وضعیت فعلی قاچاق به حدی گسترش پیدا کرده که به امری بدیهی تبدیل شده و غیر از بخش حامل‌های انرژی که به خارج از کشور قاچاق می‌شود، بسیاری از کالاها از آرد و مواد دارویی تا دام و زعفران هم قاچاق می‌شوند. عامل گسترش پدیده قاچاق، به مابه‌التفاوت یا شکاف زیادی برمی‌گردد که در بهای کالاهای اساسی در بازار آزاد، با بهای تمام‌شده آنها پس از دریافت ارز ۴۲۰۰ تومانی ایجاد شده و سودی بادآورده و رانتی را نصیب واردکنندگان کرده است. این شرایط مانند آب گل‌آلودی است که مجرمان اقتصادی باهوش و آگاه از وضعیت موجود، می‌توانند از آن ماهی بگیرند و با اشراف از ناکارآمدی موجود و چالش‌های کشور، حتی زمانی که جرم‌شان کشف و اتهام‌شان در دادگاه به اثبات می‌رسد، نه تنها احساس شرمندگی گناه نمی‌کنند، بلکه هنوز خود را فردی خادم و مؤثر می‌دانند. (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۷۱)

۴-۳- برخورد ضعیف قوه قضاییه در سال‌های گذشته

در حوزه قضایی، افزون بر اطلاع دادرسی که معضل اصلی نظام دادرسی ایران در برخورد با همه جرایم، به ویژه جرایم اقتصادی بوده است، مشکلاتی همچون اثبات جرم اقتصادی به دلیل عدم پذیرش اماره مجرمیت، یعنی معضل اثبات رکن معنوی (در حالی که برخی نظام‌های کیفری این جرایم را در زمره جرایم مادی صرف دسته‌بندی کرده اند؛ بنابراین مقام تعقیب از اثبات رکن معنوی بی‌نیاز است و متهم خود باید عدم سوءنیت خود را ثابت کند) بر مشکلات برخورد متناسب با این جرایم افزوده

است. مشکل دیگر در برخورد و رسیدگی به اتهام بزهکاران جرایم اقتصادی، چالش‌های تعقیب مجرمان پرنفوذ از مرحله اعلام شکایت، با واکنش جدی برخی مسئولان که خود را وام‌دار این‌گونه متهمان می‌دانند با توصیه‌ها، ارباب قاضی ۱ یا مأموران تعقیب یا تهدید شاکی شروع می‌شود. در مراحل تعقیب و احضار، بازداشت، تحصیل ادله و محاکمه، این چالش‌ها و دشواری‌ها ادامه دارد. علاوه بر آنها موارد زیر به عنوان سایر چالش‌ها مطرح هستند:

۱. تعدد مراجع قضایی صالح به رسیدگی به این‌گونه اتهامات و در نتیجه ایجاد اختلاف در صلاحیت؛
۲. همکاری نکردن برخی ضابطان دادگستری در امر تحقیقات و نیز دخالت ضابطان متعدد؛
۳. ایجاد برخی موانع در روند رسیدگی به اتهام مسئولان در مراجع قضایی؛
۴. پیامدهای ناشی از صدور قرار بازداشت موقت برای این‌گونه متهمان؛
۵. پیامدهای ناشی از بروز برخی نگرانی‌ها میان نیروهای متخصص؛
۶. ایفای نقش مؤثر مدیران و مسئولان قضایی در تعقیب متهمان؛
۷. اخلال در امور اجرایی در صورت احضار یا بازداشت متهمان؛
۸. مصونیت نمایندگان و برخی مسئولان از تعقیب قضایی؛
۹. عدم رعایت تساوی افراد در برابر قانون (جعفری دولت‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۱)
۱۰. عدم پرورش قاضی متخصص.

۴-۴- نقش سایر فعالان حکمرانی

در سطح ملی، علاوه بر قوای سه‌گانه، فعالان سیاسی، مؤسسه‌های مالی و اعتباری بین‌المللی و شرکت‌های چند ملیتی با عنوان «سایر فعالان حکمرانی» نیز داخل در مقام هستند و ممکن است هر یک به عنوان عامل مهم در فرایند تصمیم‌گیری محسوب شوند. بنابراین همه واجدین نقش و فعالان عرصه حکمرانی غیر از دولت (در معنای عام)، گروه‌هایی هستند که به عنوان بخشی از جامعه مدنی محسوب می‌شوند. در برخی کشورها علاوه بر جامعه مدنی، تشکیلات جرایم سازمان‌یافته و مافیایی شهری و ملی در تصمیم‌های اتخاذی مسئولان مؤثرند و ساختارهای رسمی دولتی را یکی از راه‌های مد نظر برای اعمال برنامه‌ها و تحقق هدف‌های خود می‌دانند که این امر می‌تواند یکی از شاخصه‌های منجر به فساد در زمامداری باشد. (جلیلیان، ۱۳۹۴: ۵۵)

در ایران نیز با قدری تعمق ملاحظه می‌شود در مورد چالش‌های بزرگ اقتصاد کشور از قبیل اصلاح نظام بانکی، اصلاح سیاست‌های ارزی، افزایش کارایی بودجه، اصلاح سیاست‌های تجاری و نظایر آن، به ظاهر اتفاق نظر در ضرورت اصلاح چالش‌ها وجود دارد، ولی در عمل برنامه‌های اصلاحی با موانع مواجه می‌شوند. یکی از موانع حل چالش‌های اقتصادی آن است که اصلاحات اقتصادی و حل چالش‌های بزرگ اقتصاد ایران که ریشه بسیاری از جرایم اقتصادی است، گرچه در بلندمدت منافع اکثریت جامعه را تأمین خواهد کرد، ولی به نظر می‌رسد شرایط موجود به علل مختلف ذی‌نفعانی نیز دارد که این مسئله موجب پایداری چالش‌ها شده است.

ساختارها و سیاست‌های اقتصادی موجود، به رغم تحمیل خسارت‌های بسیار به اقتصاد کشور، فراهم‌کننده منافع گسترده‌ای برای برخی گروه‌های ذی‌نفع است. این مسئله، اصلاح سیاست‌ها و ساختارهای اقتصادی و حل ریشه‌های شکل‌گیری چالش‌ها را با مانع جدی مواجه می‌کند. در این شرایط گروه‌های ذی‌نفع می‌توانند به شیوه‌های مختلف مانع پیشبرد این اصلاحات شوند و حتی احتمال دارد مسیر برنامه‌ها را نیز به طور کلی منحرف کنند.

طی چندین دهه گذشته، کسانی که در ادوار مختلف از جهش نرخ ارز بهره برده‌اند، کسانی که از سود ناشی از نگهداری دارایی‌ها بیش از ارزش افزوده ناشی از تولید منتفع شده‌اند، کسانی که امکان دسترسی به تسهیلات کلان بانکی بدون نگرانی از بازپرداخت آن را داشته‌اند، کسانی که از عدم شفافیت در قراردادهای دولتی بهره‌مند شده‌اند و حتی توده مردمی که با سپرده‌گذاری در مؤسسات غیرمجاز و بانک‌های مشکل‌دار بیش از درآمد حاصل از تلاش خود عایدی داشته‌اند، تمایلی به اصلاحات اقتصادی ندارند و به صورت غیرمستقیم، دانسته یا نادانسته از فرصت‌هایی که برای ارتکاب جرایم اقتصادی وجود دارد، دفاع می‌کنند.

۴-۵- عوامل فرهنگی و ساختار اقتصادی نامطمئن

مشکلات ساختار اقتصادی موجب نااطمینانی در اقتصاد ایران شده و فضای مبهم ناشی از این نااطمینانی، فعالیت‌های اقتصادی در کشور را مختل کرده است؛ به طوری که از نظر برخی اقتصاددانان، چشم‌اندازی را نمی‌توان برای آینده اقتصاد ایران متصور بود و این شرایط موجب تشدید فرصت‌طلبی و سودجویی می‌شود. به نظر برخی اقتصاددانان ایرانی، ما در حوزه سیاست‌های کلان اقتصادی تفکر منسجمی نداریم یا دست کم در رفتار ما چنین انسجامی مشاهده نمی‌شود. یک جا بازارها را آزاد می‌کنند و در جای دیگر بازارها را می‌بندند؛ گاهی در بازار مداخله می‌کنند و گاهی منتقد شدید مداخله هستند. در واقع، هیچ رفتار اقتصادی منسجمی از سیاست‌گذاران (در بخش‌های مختلف حاکمیت) دیده نمی‌شود. در چنین شرایطی، فعال اقتصادی نمی‌تواند برای مثال، نسبت به نرخ ارز یا سیاست‌های تجاری در آینده پیش‌بینی‌ای داشته باشد؛ از این رو، یک وضعیت بزرگ نااطمینانی اقتصادی در کشور به علت همین عدم انسجام تفکر اقتصادی، در حال شکل‌گیری است که رفته رفته بزرگ‌تر نیز می‌شود. نااطمینانی همچون سیلی است که اصلاً نمی‌دانیم قرار است بیاید یا نه و در واقع نمی‌توان مدیریت ریسکی در قبال آن انجام داد. به عبارت دیگر، می‌توان با تنوع‌بخشی سرمایه‌گذاری، در برابر ریسک مقاومت کرد، اما در برابر نااطمینانی نمی‌توان چنین سیاستی را به کار برد؛ برای مثال، اگر بحران بانکی گریبان اقتصاد را بگیرد، همه را با خود خواهد برد. دولت‌های ما فاقد نظریه با ثبات اقتصادی هستند و اندیشه‌های ناصحیح و مضر برای اقتصاد، مرتباً بازتولید می‌شوند. این مسئله، مسئله فلان فرد یا فلان رئیس‌جمهور نیست و تقریباً عمومیت دارد. نهاد دولت، مستقل از اینکه کدام دولت باشد، در اقتصاد ایران فاقد نظریه است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در راستای بخشی از وظایف خویش همواره اقدام به تهیه گزارش‌های مختلف در مورد وضعیت اقتصاد ایران می‌کند. این گزارش‌ها که با هدف بیان مهم‌ترین روندهای اقتصاد کشور، تحلیل سیاست‌های اتخاذشده توسط دولت و مجلس و ارائه چشم‌اندازی از سال‌های آتی تهیه می‌شوند، ضمن بیان چالش‌های موجود، گویای وضعیت نامناسب و نابسامان اقتصادی کشور در ابعاد سیاست‌گذاری و اجرا هستند. نتیجه آنکه، در چنین شرایطی علاوه بر توسعه رانت اطلاعاتی، کسانی که به منابع قدرت و تصمیم‌گیری نزدیک هستند، می‌توانند با اطلاع از تغییرات و شرایط آینده، اقدامات مهمی در حوزه‌های اقتصادی انجام دهند و سودهای سرشاری را نصیب خود و همکاران کنند و احتمال اینکه برخی از این اقدامات و فعالیت‌های اقتصادی پرونده‌های متورمی را در دستگاه قضایی ایجاد کند نیز وجود دارد. (بیابان، ۱۳۹۹)

۴-۶- تأثیر خلأهای قانونی بر مبارزه با جرائم اقتصادی

فساد اقتصادی مانند هر مسئله اجتماعی دیگر، از ابعاد مختلفی قابل بررسی است. عوامل اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، سیاسی، فرهنگی و برخی پارامترهای حقوقی در پیدایش این معضل اجتماعی دخالت دارند. عوامل حقوقی مؤثر در پیدایش

فساد اقتصادی را می‌توان تحت سه عنوان خلأ قانونی، ضعف و ابهام و تشتت در قوانین موجود و در نهایت، تخلف از مقررات و قوانین و اجرا نکردن صحیح آنها طبقه‌بندی کرد. ضعف و کاستی در این زمینه، همواره یکی از علل مهم شکل‌گیری مفاسد اقتصادی بوده است. در حالی که در سایر تحقیقات، تنها به کمبود برخی قوانین به‌طور کلی اشاره شده است و به ضعف، ابهام و تشتت در قوانین که عوامل مهمی در عدم برخورد قاطع با مفسدان اقتصادی محسوب می‌شوند، اشاره‌ای نشده است. مشکل دیگر در خصوص جرائم اقتصادی بعد از خلأ قانونی، عدم تعریف جرائم اقتصادی است. چندین دهه است که موضوع تعریف جرائم اقتصادی در کشورهای مختلف و خصوصاً در کشورهای توسعه یافته، موضوع بحث و نقد بوده و تئوری‌های مختلفی در این راستا ارائه شده است، لیکن در این خصوص به هیچ تعریف واحدی دست نیافته‌اند. علت این امر به خاطر آن است که عنوان اقتصاد، لفظی عام است؛ حتی اقتصاددانان تاکنون نتوانسته‌اند تعریفی جامع و مانع از آن ارائه دهند و به همین خاطر، ارائه تعریفی از جرائم اقتصادی یا جرائم علیه اقتصاد دشوار بوده است.

۴-۷- نقش بی‌طرفی قضات در رسیدگی‌های قضایی در جرایم اقتصادی

رسیدگی قضایی به معنای طرح پرونده در مراجع دادگستری است که برخی از آن به «رسیدگی اختصاری» یاد کرده‌اند (فیروزجانی، ۱۳۸۴: ۳۲۲) که علت آن را می‌توان در حاکمیت اصول دادرسی افتراقی در رسیدگی به جرایم اقتصادی به شرح زیر دنبال کرد: ۱- مشروط بودن اصل براءت؛ ۲- الزامی بودن اعلام جرم؛ ۳- الزام به انتشار اسامی محکومان؛ ۴- حاکمیت دادرسی سودانگاران (نورزاد، ۱۳۸۹: ۳۱۸).

با این وصف در عین حال، در رسیدگی به برخی از جرایم مانند جرایم اقتصادی به علت سازمان‌یافتگی و پیچیدگی‌های خاص آن و به ویژه با توجه به دشواری کشف ادله جرم و اهمیت موضوع در رسیدگی و پاسخ‌دهی سریع به آن، از اصول و قواعد خاصی در رسیدگی‌های کیفری تبعیت می‌گردد که مبنای آن در حمایت بیشتر و بهتر از حقوق اجتماع و شهروندان استوار شده است که گاه حقوق دفاعی متهم و اقتضات آن را با چالش مواجه می‌سازد (تدین و باقری نژاد، ۱۳۹۸: ۷۱). در سیاست کیفری ایران نسبت به مقابله با جرایم اقتصادی به جهت تعدد مراجع رسیدگی‌کننده، نه تنها موجب نقص حقوق دفاعی متهم خواهد شد که طبق عموماً آیین دادرسی کیفری حق دارد به طور کامل از مرجه صالح برای رسیدگی مطلع شود، بلکه به لحاظ مبهم بودن مفاهیمی که در قوانین آمده است مانند اخلاف در نظام اقتصادی کشور، کلان و عموده بودن جرم ارتكابی، در بسیاری از موارد تعیین صلاحیت برای دادرس و نهاد رسیدگی‌کننده مشکل بوده و موجب بروز تعارض مثبت یا منفی در صلاحیت و صدور آراء متهاافت و متناقض و در نهایت صدور آراء وحدت رویه خواهد شد (روستایی، ۱۳۹۸: ۲۷).

۴-۸- تعیین ضمانت‌اجراهای کیفری نامتناسب

در عوام‌گرایی کیفری سیاست‌گذاران برای پاسخ‌گویی به رویدادهای پیش‌آمده از راه‌حل‌های ساده و مدیریت مقطعی مشکلات موجود در جامعه حمایت می‌کنند؛ از این‌رو سازوکارهای سخت‌گیرانه که نشانگر وحدت میان مردم عادی علیه مجرم است، از مهم‌ترین تدابیر این رویکرد در مقابله با جرایم است (روزنبرگر و کلانان، ۲۰۱۱).

گرایش به سخت‌گیری کیفری پیرامون فساد اقتصادی در تبدیل ماهیت اقتصادی بزه ارتكابی به جرم سیاسی با مبنا قرار دادن قصد مرتکب مشهود است. با این توضیح که در هنگام تصویب قانون مجازات اخلاف‌گران در نظام اقتصادی، سامان‌دهی اوضاع نابسامان کشور پس از جنگ و شرایط سخت معیشتی مردم سبب شد قانون‌گذار در پاسخ به موج معضلات اقتصادی ایجاد

شده، پیش بینی نماید هر یک از اعمال مذکور در ماده ۱ قانون در صورت وجود "قصد ضربه زدن به نظام، قصد مقابله با آن و یا حتی علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام"، چنانچه در حد افساد فی‌الأرض باشد، دادگاه مجازات اعدام را در دادنامه خویش ذکر کند. با این حال علی‌رغم پایان دوران بازسازی پس از جنگ، این رویکرد در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ همچنان به رسمیت شناخته شده است. به موجب بخشی از این ماده، اخلال در نظام اقتصادی چنانچه "به‌طور گسترده ارتکاب یافته و موجب اخلال عمده در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع" گردد افساد فی‌الأرض محسوب و مرتکب به اعدام محکوم می‌شود. علاوه بر این به موجب تبصره ماده فوق‌الذکر "قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایراد خسارت عمده، اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات" برای تحقق عنوان مجرمانه افساد فی‌الأرض ضروری است. در این ماده قانون گذار هرچند برای نخستین بار در قوانین کیفری قائل به تفکیک دو عنوان محاربه و افساد فی‌الأرض گشته اما عبارات ماده به گونه‌ای تنظیم شده که امکان تفسیرهای متعدد در این زمینه را فراهم می‌نماید. بدین ترتیب علی‌رغم آن که مطابق قاعده تدرأ الحدود بالشبهات» تفسیر موسع در باب حدود پذیرفته خواهد بود، عدم پیش‌بینی معیاری برای تحقق عناوین مبهم "گسترده" و "عمده" موجب نقض اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها خواهد شد. علاوه بر این جاری ساختن حکم واحد بر مباشرت و معاونت عنوان مجرمانه حدی افساد فی‌الأرض، علی‌رغم فقدان ضابطه و تعریفی مشخص برای تحقق جرم از دیگر ابهامات ماده است. از این رو به نظر می‌رسد با توجه به مجازات سنگین اعدام ضروری بود قانون‌گذار به جای وضع ماده‌ای با نگاه امنیت‌گرا که حقیقتاً بسیاری از مجرمان را می‌توان تحت شمول آن قرار داد، باید به گونه‌ای سنجیده درصدد رفع ابهامات موجود در قوانین خاص سابق بر وضع ماده برمی‌آمد. آرای صادره در زمینه اعدام مجرمان اقتصادی تحت عنوان افساد فی‌الأرض در دادگاه‌های کیفری انتقاد وارد بر قانون گذار را بیش‌تر جلوه گر می‌کند. چندان‌که عنوان ابهام برانگیز فوق سبب شد تا مطابق خبرهای منتشر شده در رسانه‌ها و مستندا به تصویر رأی دادگاه، قاضی پرونده فساد سه هزار میلیارد تومانی علاوه بر ماده ۲ قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور و ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، به استفتائات صورت گرفته از مراجع عظام مبنی بر صدق عنوان افساد فی‌الأرض بر اقدامات متهمان استناد نماید (خبرگزاری ایسنا، ۲ مرداد ۱۳۹۳). از این‌رو انتظار می‌رفت با توجه به ابهام عنوان افساد فی‌الأرض و تشکیک دادگاه‌ها در مقام انطباق رفتار با عنوان مجرمانه مزبور قانون‌گذار درصدد تبیین دقیق ارکان و شرایط تحقق جرم برمی‌آمد. پیش‌بینی مجازات اعدام و گسترش دامنه افساد فی‌الأرض در سیاست کیفری تقنینی نشانگر تمایل قانون‌گذار به محدود کردن اختیارات قضات در تعیین مجازات‌های اندک در حوزه فساد اقتصادی است (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹، جلسه ۲۵۷: ۳۱) رویکردی که اگرچه با توجیه خواست و مطالبات عمومی که در اراده نمایندگان مردم در مجلس قانون‌گذاری تجلی یافته، اتخاذ شده اما از حیث غلبه عوام‌گرایی و روزمرگی بر راه‌کارهای معقول و سنجیده در سیاست کیفری ایران قابل تأمل است. مستند ساختن مشروعیت سیاست‌های سخت‌گیرانه به مطالبات عمومی در حالی است که به دلیل عدم ارائه اطلاعات تخصصی و علمی به مردم، آن‌ها درک درستی از بسترهای زمینه ساز جرایم اقتصادی ندارند. با این حال رواج فساد اقتصادی سبب می‌شود دولت (در مفهوم عام) از پاسخ‌گویی به مطالبات منطقی اقشار مختلف جامعه عاجز بوده و مقبولیت خود را نزد مردم از دست بدهد. در نتیجه وادار می‌شود با توسل به سیاست‌های کیفرگرا و سخت‌گیرانه درصدد آن باشد که میان جرایم مندرج در این قانون و امنیت نظام پیوند ایجاد نماید. پیامد چنین رویکردی، فاصله گرفتن سازوکارهای حقوق کیفری از کارکرد بازدارندگی در راستای مدیریت مقطعی جرایم و مفاسد اقتصادی است. در رویکرد عوام‌گرایی کیفری به مفاسد اقتصادی قانون‌گذار با

سخت‌گیری کیفری درصدد آن است تا از یک سو به مجرمان پیام نفی مدارا و تساهل را منتقل نموده و از سوی دیگر در افکار عمومی جامعه نیز حضوری پررنگ در عرصه مبارزه با فساد اقتصادی از خود به جای گذارد. از این‌رو در پاره ای موارد، مقامات قضایی از اعمال تخفیف و تعلیق مجازات نسبت به مرتکبان این جرایم منع شده‌اند. تبصره ۵ ماده ۲ قانون مجازات اخلاص‌گران نمونه بارز این ممنوعیت است. همچنان‌که در بند ج ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، شروع به جرایم اقتصادی، صدور حکم و اجرای مجازات در صورتی که موضوع جرم بیش از ۱۰۰ میلیون ریال باشد غیرقابل تعلیق و تعویق دانسته شده است. گفتنی است در عوام‌گرایی کیفری هنگامی که مصلحت روز سیاست‌گذاران اقتضا می‌کند، با کنار گذاردن اصول و موازین حقوقی، سیاست‌های کیفری ملایم و تسامحی به کار گرفته شده (جنوز، ۲۰۱۰) و مفهوم مبارزه واقعی با فساد کمرنگ می‌شود. سیاست‌های اتخاذ شده در قانون مبارزه با پول‌شویی نمونه بارز عدم تأثیرپذیری از اصول مسلم حقوقی و انعطاف کیفری بدون توجیه منطقی است. با این توضیح که در ایران جرم‌انگاری پول‌شویی با مقاومت روبرو بوده و سرانجام نیز کیفر اندکی در مقایسه با مجازات‌های مقرر در جرایمی همچون سرقت، کلاهبرداری و... برای جرم مزبور پیش‌بینی شده است؛ چنین رویه‌ای تأثیرپذیری قانون‌گذار از افکار عمومی در سیاست‌گذاری را آشکار می‌سازد. بدیهی است مردم جامعه در مورد جرم مزبور آگاهی اندکی داشته و از آثار و پیامدهای آن بی‌اطلاع هستند. از این‌رو سیاست‌گذار تقنینی غافل از آن‌که در درازمدت فضای ناسالم اقتصادی حاصل شده از پول‌شویی موجب تغییر نگرش مردم از نظام سیاسی می‌شود، تحت تأثیر فشارهای بین‌المللی قانونی را به تصویب رسانیده که بیش از هر چیز موجبات بدبینی و سلب اعتماد از نظام تقنینی را فراهم می‌کند (رهبر و میرزاوند، ۱۳۸۷: ۵۵). در این قانون که تنها از جهت عنوان شبیه قانون مبارزه با پول‌شویی است، علی‌رغم این واقعیت که ماهیت مجازات باید تا حد امکان به بزه نزدیک باشد، جزای نقدی به میزان یک چهارم مال تحصیل شده برای جرم پول‌شویی در نظر گرفته شده که آشکارا در تعارض با اصل تناسب جرم و مجازات است. به ویژه آن‌که در سطح بین‌المللی تدوین‌کنندگان کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی اعتقاد داشتند، دول متعاهد قطعاً مجازات حبس برای این جرم تعیین خواهند نمود (دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲).

۴-۹- عدم شناخت چالش‌های مبارزه با جرایم اقتصادی

به طور حتم، یکی از دلایل اصلی ناکارآمدی مبارزه با جرائم اقتصادی، عدم شناخت چالش‌های مبارزه است. از آنجا که وضع هرگونه قانون و تدبیری برای رفع این مشکل بدون اندیشیدن به ریشه‌های آن، بیهوده خواهد بود و در نتیجه، شناسایی چالش‌های مبارزه با جرائم اقتصادی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این‌رو، این تحقیق به دنبال بررسی علمی چالش‌های پلیس آگاهی در مبارزه با جرائم اقتصادی و ارائه راهکارهای مناسب علمی و اجرایی برای آن است. (با اذعان به اینکه به دلایل مختلفی هنوز بخش عظیمی از جرائم اقتصادی مکتوم بوده و مورد توجه قرار نگرفته است) به دلایلی از جمله اشکال در زیرساخت‌های نظام اقتصادی کشور، تحریم‌های خارجی، بیکاری، خلأهای قانونی، دولتی بودن اقتصاد کشور، فشارهای اقتصادی به اقشار آسیب‌پذیر از جمله کارمندان دولتی، رواج رابطه‌گرایی در سازمان‌ها، نقص قوانین و نبود نظارت‌های بازدارنده و مؤثر، عدم وجود یک ساختار مناسب جهت مبارزه با جرایم اقتصادی در کشور، عدم تعامل و همکاری سازمان‌های نظارتی، قضایی، انتظامی، تعدد سازمان‌های تصمیم‌گیرنده و مبارزه‌کننده با جرائم اقتصادی اشاره کرد که بر اساس آن، افزایش ارتکاب جرائم اقتصادی در آتی نیز قابل پیش‌بینی است. لیکن، با وجود عزم راسخ مسئولان نظام و پشتوانه میلیونی افکار عمومی و صدور فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در مبارزه با جرائم و مفسدات اقتصادی طبق

آمارها و بررسی‌های صورت گرفته، سعی و تلاش دستگاههای اجرایی، نظارتی و قضایی برای کنترل، مهار و مبارزه با جرائم اقتصادی از پیشرفت مورد انتظار بهره مند نبوده و انتظارات را برآورده نکرده است و علت این امر، وجود چالش‌هایی در مسیر مبارزه است که جهت کسب موفقیت در امر مبارزه و پیشبرد اهداف نیاز به شناسایی چالش‌ها و اتخاذ راهکارهای مناسب جهت حل آنها است (هریسی نژاد، ۱۳۸۱، ۳).

۴-۱۰- فقدان معیار مشخصی برای تمییز جرایم اقتصادی

با اینکه بر حسب ظاهر در بند «ب» ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی، مصادیق جرایم اقتصادی احصا شده است، چنانکه ملاحظه شد، ابهامات زیادی در تشخیص و تعیین مصادیق جرم اقتصادی وجود دارد. در چنین شرایطی به چند دلیل وجود یک معیار برای تعیین جرم اقتصادی حتی پس از تعیین مصادیق می‌تواند مفید باشد. اولاً در خصوص رفتارهای مجرمانه‌ای که در حکم یکی از مصادیق جرایم اقتصادی است، مانند جرایم در حکم کلاهبرداری یا تصرف غیرقانونی در اموال دولتی، این ابهام که آیا آن رفتار نیز جرم اقتصادی محسوب می‌شود یا نه، با توجه به یک معیار قابل رفع بود. ثانیاً با توجه به اینکه وضع جرایم اقتصادی برای تدوین سیاست جنایی خاصی در برابر آنها صورت می‌گیرد که نوعی تحمیل هزینه هم بر دولت و هم بر مخاطبان حقوق کیفری است، این سیاست‌ها باید در برابر جرایمی با شدت و اهمیت شایان توجهی اعمال شود. برای مثال در هر یک از مصادیق متیقن جرم اقتصادی نیز اعمال سیاست‌های جنایی خاص در برابر جرایمی که میزان خسارت مادی آنها به یک میلیون ریال هم نمی‌رسد، توجیه پذیر به نظر نمی‌رسد. به همین دلیل در بخشنامه مذکور ریاست قوه قضاییه (مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۷) در خصوص جرایم کلان اقتصادی نیز علاوه بر تعیین مصادیق جرم اقتصادی، معیار ده میلیارد ریال خسارت ناشی از جرایم مذکور در بخشنامه به عنوان معیاری برای تشخیص کلان بودن جرم اقتصادی، تعیین شده است. در این خصوص به نظر می‌رسد که ماده ۱۰۹ مزبور، معیاری مبنی بر میزان خسارت به مبلغ یک میلیارد ریال را برای این جرایم تعیین کرده است. بند «ب» ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌کند: «جرایم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده» که مراجعه به ماده ۳۶ مذکور نشان می‌دهد که انتشار آرا در جرایم مورد نظر، منوط به این است که مبلغ خسارت ناشی از جرم یک میلیارد ریال یا بیشتر باشد. از سوی دیگر، بند «ج» ماده ۴۷ همین قانون «جرایم اقتصادی با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون ریال» را از شمول نهادهای تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات، مستثنا می‌کند. معیار عددی که در این بند برای جرایم اقتصادی ذکر شده، مبلغ ناچیز و معادل یک دهم مبلغ مقرر در بند «ب» ماده ۱۰۹ مذکور است که این امر نشان می‌دهد که برای تشخیص جرم اقتصادی تنها مصادیق مذکور در قانون موضوعیت دارد و هیچ میزان از خسارت، ملاک تشخیص جرم اقتصادی نیست. به این ترتیب عدد مذکور در بند «ب» ماده ۱۰۹ تنها در خصوص شمول مرور زمان موضوعیت دارد نه تعیین جرم اقتصادی. (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۳۲-۱۳۵).

نتیجه گیری

مفهوم ارائه شده از جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی، فاقد کارکرد مؤثر در زمینه مبارزه با این جرایم است و باید به این منظور بسته سیاستی کاملی مشتمل بر مجموعه‌ای از اصلاحات ساختاری تا اقدامات قهرآمیز کیفری تدوین شود که در آن تعریف دقیقی از جرم اقتصادی ارائه شده و علاوه بر احصا و تدوین عناوین مجرمانه اقتصادی، حوزه‌های سکوت و

ابهام قانون نیز رفع شود. تا زمان تدوین چنین مجموعه‌ای مطلوب است با ذکر اشکالات مذکور استفساریه‌ای از مجلس اخذ شود که طی آن مجلس شورای اسلامی، بر تمثیلی بودن مصادیق مذکور در بند «ب» ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی تصریح کند. در این صورت بخش شایان توجهی از اشکالات مذکور رفع خواهد شد. تأثیر خلأهای قانونی بر مبارزه با جرائم اقتصادی: فساد اقتصادی مانند هر مسئله اجتماعی دیگر، از ابعاد مختلفی قابل بررسی است. عوامل اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، سیاسی، فرهنگی و برخی پارامترهای حقوقی در پیدایش این معضل اجتماعی دخالت دارند. عوامل حقوقی مؤثر در پیدایش فساد اقتصادی را می‌توان تحت سه عنوان خلأ قانونی، ضعف و ابهام و تشتت در قوانین موجود و در نهایت، تخلف از مقررات و قوانین و اجرا نکردن صحیح آنها طبقه‌بندی کرد. ضعف و کاستی در این زمینه، همواره یکی از علل مهم شکل‌گیری مفساد اقتصادی بوده است. در حالی که در سایر تحقیقات، تنها به کمبود برخی قوانین به‌طور کلی اشاره شده است و به ضعف، ابهام و تشتت در قوانین که عوامل مهمی در عدم برخورد قاطع با مفسدان اقتصادی محسوب می‌شوند، اشاره‌ای نشده است. مشکل دیگر در خصوص جرائم اقتصادی بعد از خلأ قانونی، عدم تعریف جرائم اقتصادی است. چندین دهه است که موضوع تعریف جرائم اقتصادی در کشورهای مختلف و خصوصاً در کشورهای توسعه یافته، موضوع بحث و نقد بوده و تئوری‌های مختلفی در این راستا ارائه شده است، لیکن در این خصوص به هیچ تعریف واحدی دست نیافته‌اند. علت این امر به خاطر آن است که عنوان اقتصاد، لفظی عام است؛ حتی اقتصاددانان تاکنون نتوانسته‌اند تعریفی جامع و مانع از آن ارائه دهند و به همین خاطر، ارائه تعریفی از جرائم اقتصادی یا جرائم علیه اقتصاد دشوار بوده است. عدم تعامل و همکاری سازمان‌های مبارزه‌کننده با جرائم اقتصادی: تعامل بسیار ضعیف بین نهادهای مؤثر در مبارزه و ضعف در ضمانت اجرای قوانین، از جمله مسائل موجود در حوزه سیاست کیفری است. چه اینکه عدم قاطعیت قوای حاکم در اجرای مجازات و عدم حتمیت اجرای مجازات، جنبه پیشگیرانه مجازات را از بین برده است و افراد با بررسی منافع و عواید حاصل از ارتکاب تخلف و همچنین، مقایسه آن با خطرات احتمالی ناشی از کشف جرم و اجرای مجازات، این منافع را به مراتب دست‌یافتنی‌تر و محتمل‌تر می‌بینند و نسبت به ارتکاب تخلفات و جرائم اقدام می‌کنند. هم‌اکنون، یک ارتباط سیستمی بین سازمانهای مبارزه‌کننده با جرائم اقتصادی از جمله مجتمع قضایی ویژه امور اقتصادی، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات کل کشور، شورای حفظ حقوق بیت المال، وزارت اطلاعات، حفاظت اطلاعات قوه قضائیه، سازمان حسابرسی کل کشور، پلیس آگاهی و پلیس اطلاعات و امنیت عمومی ناجا وجود ندارد؛ بدین نحو که اگر متهمی به خاطر یک جرم اقتصادی توسط یکی از سازمانهای فوق‌الذکر تحت تعقیب قرار بگیرد، هیچ اطلاعی از متهم موصوف به سایر سازمانها ارسال نمی‌شود. در حالی که ممکن است توسط آن سازمانها نیز تحت تعقیب باشد یا اطلاعات ذی‌قیمتی در اختیار سایر سازمانها باشد که بتواند در کشف جرم به سازمان موصوف کمک کند که به این امر در تحقیقات مشابه نیز اشاره شده است.

باوجود تأکید زیاد درباره مبارزه با جرائم و مفساد اقتصادی، بسیاری از تلاش‌ها در این زمینه به دلایل زیادی شکست خورده‌اند. یکی از دلایل، عدم تناسب بین سازمان مبارزه‌کننده با جرایم اقتصادی و مجرمان اقتصادی است؛ زیرا نبود یک ساختار منسجم و سازمانیافته که در عین داشتن اختیارات قانونی در برخورد با جرائم اقتصادی ملزم به پاسخگویی در خصوص علل بروز جرائم و مفساد اقتصادی باشد، امکان مبارزه قاطع با مجرمان و مفسدان اقتصادی را به شدت کاهش داده و مانع از دستیابی مبارزه‌کننده به اهداف خود (از بین بردن ریشه‌های فساد اقتصادی) خواهد شد. ولی در سایر تحقیقات به وضوح و شفافیت موجود، به لزوم تأسیس چنین سازمانی با رویکرد متولی و پاسخگو بودن پرداخته نشده است؛ هرچند بر

استقلال قانونی سازمان اشاره شده است. تعدد سازمان های متولی مبارزه با جرائم اقتصادی: در حال حاضر بخش های متعددی همانند ناجا، وزارت اطلاعات، حفاظت اطلاعات قوه قضائیه، بازرسی و حراست قانون گذار در طول چندین دهه قانون گذاری در ایران در مورد جرم انگاری جرایم اقتصادی، همواره سعی بر آن داشته تا ابتدا با تعیین ماهیت این جرایم، مرز میان آنها و سایر جرایم را مشخص نماید تا بتواند از طریق اعمال روش های متناسب اعم از کیفری و غیر کیفری، از بروز این گونه جرایم جلوگیری نماید. البته به نظر می رسد یکی از دلایلی که در سال های اخیر جرایم اقتصادی در ایران روند صعودی داشته اند، سیاست مصلحت اندیشی و احتیاطی نظام قضایی و نظارتی جمهوری اسلامی ایران در برخورد قانونی با برخی اشخاص، نهادها و سازمان هایی است که مرتکب این گونه جرایم می شوند. در واقع عدم قاطعیت نهادها و دستگاه های نظارتی موجب نفوذ مفسدان اقتصادی به درون نظام اجرایی، قضایی و تقنینی کشور شده است. در حالی که مطابق اصل ۲۰ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸ «همه افراد در برابر قانون مساوی اند... مهمترین عامل و مسأله ساختاری در اقتصاد ما پیچیدگی و نامتناسب بودن مقررات است. در جهان امروز، مقررات اقتصادی و مالی بسیار شفاف، صریح و در عین حال دقیق و ثابت است. سیستم های بانکی، گمرکی، مالیاتی و امثال آن در کشور ما آن قدر پیچ و خم دارد که بسیاری از سرمایه گذاران ترجیح می دهند یا اصلاً در آن وارد نشوند یا از طریق غیرقانونی و یا پرداخت رشوه و زد و بندها هرچه زودتر و خارج از مراحل سخت و پیچیده ی اداری و مقررات به مقصود خود برسند که این خود زمینه مشکلات و مفاصد اقتصادی زیادی می شود. سوالی که ما در این رساله با آن روبه رو هستیم این است که: آیا سیاست جنایی ایران در جهت کاهش جرایم اقتصادی به درستی ترسیم شده است؟ و هدف از جرم انگاری در قلمرو جرایم اقتصادی چیست؟ بنظر می رسد که قوانین کیفری ایران در جهت کاهش جرایم اقتصادی به درستی ترسیم نشده است و هدف از جرم انگاری در قلمرو جرایم اقتصادی، حمایت جنایی از نظام اقتصادی کشور می باشد.» بنابراین دیگر موجبی باقی نمی ماند که شخص یا نهادی در برابر قانون استثناء گردد. این موضوع در بند ۶ از فرمان هشت بندی مقام معظم رهبری مصوب سال ۱۳۸۰ نیز آمده است. طبق این بند: «در امر مبارزه با فساد نباید هیچ تبعیضی دیده شود، هیچ کس و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثناء شود. هیچ شخص یا نهادی نمی تواند با عذر و انتصاب به اینجانب و یا دیگر مسئولان کشور، خود را از حساب کشتی معاف بشمارد و با فساد در هر جا و هر مسند باید برخورد یکسان صورت گیرد.» همچنین در مورد ابهام در مفهوم و مصادیق جرایم اقتصادی است. زیرا همان گونه که در قسمت های متعدد پژوهش اشاره گردید قانون گذار معیار های مشخصی را برای شناخت مصادیق جرایم اقتصادی ارائه نکرده است. البته در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از عنوان جرایم اقتصادی استفاده شده و برخی از مصادیق آن نیز بیان شده است؛ لیکن در این قانون تعریفی روشن و صریح از جرم اقتصادی دیده نمی شود. در نهایت باید بیان داشت که تحولات در وضع قوانین و مقررات در حوزه جرایم اقتصادی در ایران، همواره سیری صعودی داشته است. به عبارت دیگر قانون گذار همواره سعی بر آن داشته که همگام با پیشرفت جامعه ایرانی در حوزه های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و همچنین تحولات ایجاد شده در شیوه های زندگی مردم کشورمان، به نحوی عمل نماید تا از ارتکاب جرایم اقتصادی جلوگیری کند. جرائم اقتصادی یکی از آسیب های مهمی است که امنیت اقتصادی کشورها را مورد تهدید قرار می دهد. بنابراین شناسایی علل و عوامل واقعی وقوع جرائم اقتصادی و سپس تدوین قوانین که متناسب با این علل و عوامل تنظیم شده باشد به حفظ نظم و امنیت اقتصادی کشور می انجامد. بدون تردید یکی از عوامل موثر در بروز فساد اقتصادی، عدم شفافسازی مالی در عملیات دولتی است، جرائم اقتصادی در مقایسه با جرائم عادی در محیط هایی که ابهام و عدم شفافیت حاکم است ارتکاب می یابد. لذا هرچه بر رویکرد شفافسازی در حوزه های مختلف درگیر با مقوله فساد اقتصادی توجه بیشتری مبذول گردد، به همان میزان نیز فساد تقلیل

می‌یابد. آنچه که واضح است اینکه برخورد قانونگذار ایران در مبارزه با فساد اقتصادی، عمدتاً مبتنی بر تدابیر کیفری و ابزارهای قهرآمیز می‌باشد اما تدابیر کیفری اتخاذی چاره‌ساز و راهکاری سنجیده و متناسبی به منظور مقابله و پیشگیری از وقوع جرائم اقتصادی نمی‌باشد که اینک روز به روز شاهد گستردگی فساد اقتصادی هستیم. باید پذیرفت که پیشگیری از جرائم اقتصادی باید در اشکال و روشهای مختلف صورت پذیرد و بسنده کردن به یک راهبرد مفید نخواهد بود.

باید توجه داشت که مجازات به تنهایی موثر نیست که اگر موفق بود باید نتیجه آن تاکنون دیده می‌شود. علاوه بر آن امروزه، شیوه‌های پیشگیری متنوع گردیده و همین امر بیانگر آن است که بزهکاری از محدوده صرف حقوقی، قضایی و پلیس خارج شده و مقابله موثر با آن از یکسو همکاری و مشارکت نهادهای دولتی و تشکل‌های مردمی را می‌طلبد و از سوی دیگر، مستلزم ایجاد تحول و نوآوری در ابزارها و نهادهای سنتی و متداول مقابله با جرم است. پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی با هدف کاهش یا حذف انگیزه‌های ارتکاب جرم پیش از وقوع آنها و مقابله با علل ریشه‌ای جرم از مهمترین روشهای مبارزه با تبهکاری و انحرافات رفتاری است.

به نظر نگارنده با گسترش سیاست جنای کنش (قبل از وقوع جرم) و استفاده از کلیه ابزارها و تدابیر و امکانات اعم از امکانات نهادهای دولتی و امکانات نهادهای غیردولتی و تلفیق آن با سیاست جنایی واکنشی (پس از وقوع جرم) و استفاده آن دو در کنار هم، می‌توان عامل مهمی در زمینه کاهش جرم در اجتماع را فراهم کرد که مبارزه با فساد اقتصادی از این قاعده مستثنی نیست.

البته لازم بذکر است که سیاست جنایی واکنشی (کیفری) از آنجا که دارای مضرات و معایب بسیاری است و بر جسم و روان مجرمان تأثیرگذار بوده و زندگی آینده آنان را در جامعه با مشکلات مواجه می‌کند، باید بعنوان آخرین چاره علیه بزهکاری مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

۱. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۷). اعلام و افشای جرم اقتصادی، سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، به کوشش امیرحسن نیازپور، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۲. ابراهیمی، شهرام و صادق نژاد نایینی، مجید (۱۳۹۲). تحلیل جرم شناختی جرایم اقتصادی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره پنجم.
۳. اعظمی مقدم، مجید (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی الزامات رسیدگی به جرائم اقتصادی در سایر کشورها؛ راهکار مناسب برای پلیس ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم انتظامی امین.
۴. بهره مند، حمید (۱۳۹۶). آسیب شناسی قوانین مربوط به جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات قوه قضائیه.
۵. پاک نیت، مصطفی (۱۳۹۶). افتراقی شدن آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۶. ترابی، یوسف (۱۳۸۳). بررسی روابط اقتصادی نظامی ایران و آمریکا. چاپ اول. تهران: نشرعروج.
۷. توسلی زاده، توران (۱۳۹۲). پیشگیری از جرایم اقتصادی، چ ۱، تهران: انتشارات جنگل.

۸. جوانمرد، بهروز و شفیعی خورشیدی، علی اصغر (۱۴۰۰). حقوق کیفری اقتصادی، جلد اول، چاپ اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۹. خانی، علی، شیری، عباس، کاستی‌های جرم انگاری مفسد اقتصادی در سیاست کیفری ایران، انتشارات کارآگاه، ۱۳۹۲.
۱۰. دادخدایی، ل. (۱۳۹۰). فساد مالی- اداری و سیاست‌جنایی مقابله با آن با تکیه بر کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد. تهران: نشر میزان.
۱۱. دارابی، شهرداد (۱۳۹۵)، پیشگیری از جرم در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی، چ ۱، نشر میزان.
۱۲. دانشور، رضا (۱۳۸۲) بررسی جرائم اقتصادی. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم رضوی
۱۳. رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۹۷). درآمدی بر جرم‌شناسی. تهران: نشر سمت. رحیمی‌نژاد، اسماعیل. (۱۳۹۴). جرم‌شناسی. چاپ چهارم. تبریز: نشر فروزش.
۱۴. رحیمیان، نرگس (۱۳۹۳)، «بررسی فساد اقتصادی و راههای مبارزه با آن» مجله اقتصادی، ش ۹.
۱۵. زارعی، اصغر (۱۳۹۰). آیا تشکیل پلیس تخصصی مبارزه با جرائم اقتصادی بر فرایند مبارزه با این جرائم تأثیر مثبتی دارد؟. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم انتظامی امین.
۱۶. زراعت، عباس (۱۳۹۵)، حقوق کیفری اقتصادی، چ ۱، تهران: انتشارات جنگل.
۱۷. ساکی، محمد رضا، ۱۳۹۰، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل
۱۸. صالح ولیدی، محمد (۱۳۸۶)، حقوق کیفری اقتصادی، چ ۱، تهران: نشر میزان.
۱۹. طاهری، س. (۱۳۹۲). سیاست کیفری سخت‌گیرانه. تهران: نشر میزان.
۲۰. عالی‌پور، حسن، تقریرات حقوق کیفری اقتصادی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، ۱۳۹۶.
۲۱. عباسی، اصغر (۱۳۹۳)، حقوق کیفری اقتصادی: مبارزه با پولشویی در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی ایران، نشر میزان، چاپ اول
۲۲. قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۸۵)، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، چ ۱، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۳. کلانتری، کیومرث و جعفریان سوته، سید حسن (۱۳۹۷). افتراقی سازی فرآیند کشف و تعقیب جرایم اقتصادی؛ با تأکید بر حقوق ایران، سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، به کوشش - امیرحسن نیازپور، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۲۴. کوشا، جعفر و سانجیح، محمدرضا (۱۳۹۶)، «سیاست جنایی در جرائم اقتصادی» نشریه دانش حقوق و مالیه،
۲۵. گسن، ریمون (۱۳۹۳)، جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی، تحقیق و ترجمه شهرام ابراهیمی، چ ۳، تهران: نشر میزان.
۲۶. لازرژ، کریستین (۱۳۸۲)، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چ ۱، تهران: نشر میزان.
۲۷. لکی، زینب (۱۳۹۸). مجتمع قضایی ویژه جرایم اقتصادی، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، به کوشش امیرحسن نیازپور، چاپ دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۲۸. محتشم دولتشاهی، طهماسب (۱۳۸۱)، مبانی علم اقتصاد: اقتصاد خرد - اقتصاد کلان، چ ۶۱، انتشارات خجسته.
۲۹. محسنی، فرید (۱۳۹۸). جرم اقتصادی، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، به کوشش امیرحسن نیازپور، چاپ دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

۳۰. مهدی‌پور، اعظم (۱۳۹۰)، سیاست کیفری افتراقی در قملرو بزهکاری اقتصادی، تهران: نشر میزان.
۳۱. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲). جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ سی و پنجم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۳۲. نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۸۸)، «قوه قضاییه در سنجه حکمرانی خوب» دیباچه در: غلامحسین آماده، نقش قوه قضاییه در فرایند کیفری، نشر دادگستر.
۳۳. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، از سیاست کیفری تا سیاست جنایی، دیباچه درآمدی به سیاست جنایی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲.
۳۴. نورزاد، مجتبی (۱۳۸۹). بررسی حقوق کیفری جرائم اقتصادی در ایران. تهران: انتشارات جنگل.
۳۵. نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۸). آیین دادرسی کیفری اقتصادی، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۳۶. آیت، علیرضا، پاکزاد، بتول، عالی‌پور، حسن، صابر، محمود، توجیه رسیدگی افتراقی برای جرایم اقتصادی: تهدید جرم یا خطر مرتکب، پژوهش حقوق کیفری، دوره هشتم، شماره بیست و هشت، ۱۳۸۹.
۳۷. باباخانی، عرفان و رستمی، هادی (۱۴۰۱). رسیدگی افتراقی به جرایم اقتصادی در حقوق ایران و فرانسه، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۹ (۳۱): ۶۲-۳۱.
۳۸. باقری، فاطمه (۱۳۹۱)، بررسی انتقادی بعد کیفری قانون مبارزه با پولشویی (با تکیه بر کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد)، کارآگاه، دوره دوم، سال ششم، شماره ۲۱، ص ۱۵۲-۱۳۲.
۳۹. باوی، علیرضا؛ گلدوست جویباری، رجب؛ غلامی، حسین. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی سیاست کیفری ایران
۴۰. بخشی، علی (۱۳۹۱)، «آثار و پیامدهای فساد مالی را توضیح بدهید»، پایگاه آموزشی پژوهشی پژوهش‌تبلیغ.
۴۱. بهره مند، حمید (۱۳۹۷)، جرم اقتصادی در حقوق ایران؛ از تعریف تا پاسخ‌ها، در: امیرحسین نیازپور، به کوشش سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی سیاست جنایی ایران در زمینه جرایم اقتصادی، چ ۱، تهران: نشر میزان.
۴۲. بیابانی، غلامحسین؛ نجفی، حسین، ۱۳۸۸، جرایم اقتصادی جرم مشخص شده قرن ۲۱، تهران، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۲۶۶، ص ۲۶۸ - ۲۷۷.
۴۳. تانزی، ویتو (بهمن ۱۳۷۸). مسئله فساد، فعالیت های دولتی و بازار آزاد (بهمن آقایی، چالش‌های مبارزه با جرائم اقتصادی و راهکارهای پیشنهاد مترجم). مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی. شماره ۱۴۹ و ۱۵۰. صص ۱۷۸-۱۸۹.
۴۴. جعفری دولت آبادی، عباس (۱۳۹۰)، تعقیب مجرمان یقه‌سفید و چالش‌های آن، فصلنامه تعالی حقوق، ش ۱۳ و ۱۴.
۴۵. جلیلیان، مهدی و عطارزاده، سعید (۱۳۹۴). تحلیل جرم شناختی جرایم اقتصادی، فصلنامه علمی
۴۶. جمشیدی، علیرضا (۱۳۸۸)، پیشگیری از جرایم اقتصادی، از اقدام‌های قضایی تا اقدام‌های اجرایی در: محمد فرجیها و سید
۴۷. حبیب زاده، اصحاب و شریف شهری، میرکاظم (۱۳۹۴). نقش رسانه‌ها (مطبوعات) در مبارزه با جرایم اقتصادی، فصلنامه علمی پژوهش های اطلاعاتی جنایی، ۱۰ (۳۷): ۷۸-۵۵.
۴۸. حسن‌پور، حمیدرضا و رضوی، بهزاد (۱۳۹۷)، «اهمیت پیشگیری از فساد اداری و تأثیر آن بر سلامت اجتماعی
۴۹. حسینی، ح. (۱۳۸۸). درآمدی بر مدیریت پیش‌گیری از جرایم اقتصادی. در: مجموعه مقالات همایش ملی علمی-کاربردی پیش‌گیری از وقوع جرم، تهران: نشر میزان.

۵۰. حطمی، ایمان، پاکزاد، بتول، فرحبخش، مجتبی، خسروی، حسن. (۱۴۰۰). الگوی مطلوب پیشگیری از جرائم اقتصادی در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، سال ششم، بهار، شماره نوزدهم، صفحه ۷۹ تا ۱۰۴.
۵۱. حق‌پناهان، عباس (۱۳۹۲)، بررسی سیاست جنایی ایران در حقوق کیفری اقتصادی، تهران: انتشارات بهنامی
۵۲. خدایان چگینی، ذبیح‌الله (۱۳۹۱). تحلیل جرم شناختی جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
۵۳. دادخدایی، لیلان، ۱۳۸۹، مفهوم جرم اقتصادی و تحولات آن، تهران، مجله تعالی حقوق، شماره ۶، ص ۴۵-۶۹.
۵۴. دشتی، فرزانه، پوردانش، سیدسامر، باقری‌نیا، حدیث، مکرمی‌پور، محمد باقر. (۱۴۰۰). مؤلفه‌های قدرت نرم و به اقتصاد مقاومتی « فصلنامه دولت‌پژوهی جمهوری‌اسلامی ایران، سال هفتم، شماره سوم، پاییز، ص ۷-۳۳.
۵۵. رادمرد، محمد. (۱۳۹۹). تأثیر فساد اقتصادی در آرمان‌زدایی از انقلاب اسلامی. کنفرانس ملی مؤلفه‌های تمدن ساز در بیانیه گام‌دوم انقلاب. مشهد.
۵۶. رحیمی‌نژاد، احمد، ۱۳۸۴، جرم چیست و معیارهای جرم‌انگاری جرایم کدام است؟ تهران، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۴۱، ص ۱۳۵ - ۱۶۰.
۵۷. رحیمی‌نژاد، اسمعیل؛ آقایی، مهدی؛ قلی‌پور، غلامرضا. (۱۳۹۴). نظریه خنثی‌سازی جرم و ارتباط آن با عدالت کیفری. « پژوهش‌های حقوق کیفری. سال ۳. شماره ۱۱ ص ۸۵-۱۱۲.
۵۸. رنایی، محمد، ۱۳۸۲، بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصاد بازار در اقتصاد ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ص ۸۳.
۵۹. روستایی، مهرانگیز (۱۳۹۸). ارزیابی مداخله کیفری در حوزه جرایم اقتصادی، فصلنامه کارگاه، شماره ۷.
۶۰. زمانی، علی اصغر، ۱۳۸۸، درآمدی بر ابعاد مفسد و جرایم اقتصادی و پیامدهای آن بر امنیت ملی، تهران، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۷، ص ۳۲ - ۵۵.
۶۱. سماواتی پیروز، امیر، مولفه‌های افتراقی جرایم اقتصادی در تقابل با جرایم مالی، فلسفه و کلام: مجله رهمون، دوره بیست و پنجم، شماره شصت و دو، ۱۳۸۸.
۶۲. سیاست‌های کلی نظام در بخش امنیت اقتصادی، (۱۳۷۹). بندهای ۳ و ۵. بیانیه گام دوم، (۱۳۹۷) سند تحول قضایی، (۱۳۹۹)
۶۳. شفیعی خورشیدی، علی اصغر، ۱۳۹۲، مجموعه قوانین و مقررات جزایی جرایم اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات خط سوم، ص ۲۲۴.
۶۴. عباس زادگان، محمد رضا، ۱۳۸۳، حقوق اقتصادی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات خط سوم، ص ۳۴۶.
۶۵. عباسی، حمید (۱۳۹۵)، سیاست کیفری ایران نسبت به جرائم اقتصادی، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، س ۲، ش ۴.
۶۶. عظیمی، سیدمیثم و علی غلامی. (۱۳۹۵). نظارت‌فناورانه در پیشگیری‌یوضعی از جرم اقتصادی و چالش‌های آن با حریم‌خصوصی‌اطلاعاتی. مجلس و راهبرد، سال ۲۴، شماره ۹۱.
۶۷. غلامی، حسین، سیاست کیفری چهارده کشور جهان درباره عفو و تخفیف مجازات جرایم مواد مخدر، مطالعه تطبیقی، سلامت اجتماعی و اعتیاد، دوره اول، شماره یک، ۱۳۹۳.

۶۸. فتاحی اردکانی، حبیب‌الله (۱۳۸۹). راهبردها و راهکارهای کلان جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با فساد. مجموعه مقالات همایش ارتقای سلامت اداری، شورای هماهنگی دستگاههای نظارتی. انتشارات زمان نو. صص ۱۶۸-۱۸۰.
۶۹. فرجیها، م. و مقدسی، م. (۱۳۹۲). پاسخ‌های کیفری عوام‌گرایانه به مفاسد اقتصادی. دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، تهران: نشر میزان.
۷۰. فرجیها، محمد؛ مقدسی، محمدباقر. (۱۳۹۵). پاسخ‌های کیفری عوام‌گرایانه به مفاسد اقتصادی، دایره
۷۱. قهرمانی، مجتبی و سایبانی، علیرضا (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی دادگاههای ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی ایران با تأکید بر اصل حتمیت اجرای مجازاتها، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال هفتم، شماره ۲۷.
۷۲. کاشانی، جواد و امیرهوشنگ فتحی زاده. (۱۳۹۸). اصل شفافیت در معاملات دولتی و افراد. مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۱، شماره ۲۴، تابستان ۹۸، صفحات ۳۷ تا ۶۴.
۷۳. کرامتی معز، هادی؛ حسن آبادی، عبدالرحمن. (۱۴۰۰). سیاست کیفری سخت‌گیرانه در آیین دادرسی
۷۴. کوشا، جعفر، تقریرات درس حقوق جزای اقتصادی، دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم رضوی مشهد، ۱۳۸۱